

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Pazhuhan M. The theory-practice gap in Tehran's urban planning and management: an epistemological pathology of previous research. *Urban Economics and Planning* 7(6):94-113.

DOI: [10.22034/uep.2026.552132.1737](https://doi.org/10.22034/uep.2026.552132.1737)

شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تهران: آسیب‌شناسی معرفت‌شناختی پژوهش‌های پیشین

موسی پژوهان^{۱*}

۱. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران، پژوهشگر مستقل مطالعات برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران، ایران

چکیده

شکاف حوزه‌ی نظر و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در ایران به طور عام و در شهر تهران به طور خاص موجب شده است تا نظریات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از یک‌سو روی کاغذ بماند و از سوی دیگر، مدیریت شهری در عمل بدون بهره‌مندی از پشتوانه‌های نظری دچار آزمون و خطاهای هزینه‌بر و فرصت‌سوز شود. هدف از این مطالعه، ارزیابی انتقادی پژوهش‌های موجود در حوزه‌ی شکاف نظر و عمل با رویکرد آسیب‌شناسی معرفت‌شناختی، برای ارائه‌ی راهکارهایی به منظور صورت‌بندی مجدد مسئله در مدیریت شهری تهران است. روش تحقیق بر مبنای اهداف و سؤال‌های طرح‌شده، ارزیابی انتقادی و بر مبنای ترکیب چارچوب‌های ارزیابی یونگ و سولومون و الوسون و سندبرگ انتخاب شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل تمامی پژوهش‌هایی است که در حوزه‌ی شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری (تهران) انجام یافته‌اند. ۱۵ کار تحقیقاتی مستند (معادل ۳۸ درصد جامعه‌ی آماری) به عنوان نمونه انتخاب شدند و مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده‌اند، به دلیل غفلت از به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های نظری مکاتب برنامه‌ریزی و دیدگاه‌های مدیریت شهری مسلط و وارداتی، نتوانسته‌اند آفق‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی جدیدی برای ترمیم شکاف دو حوزه‌ی نظر و عمل بگشایند. همچنین، این پژوهش‌ها به دلیل فقدان جامعیت و شمولیت نظری در بررسی موضوع شکاف دچار انحراف‌هایی در ارائه‌ی شواهد و نتایج نیز شده‌اند.

کلمات کلیدی

تجربه‌ی محلی و نظریه‌ی توسعه
تهران
شکاف نظر و عمل
مدیریت شهری
معرفت‌شناسی نظری

* نویسنده‌ی مسئول: pajooohan82@gmail.com

۱. مقدمه

در ایران چالش شکاف میان نظریه و عمل در نظام‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری یکی از چالش‌های اساسی و قابل توجه است. همان‌گونه که ایمانی شاملو و رفیعیان (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند، بروز شکاف بین نظریه و عمل طی قرن اخیر سبب شده است تا پیچیدگی‌های موجود در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، که بیشتر از نظریه‌های وارداتی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری استفاده می‌کنند، عیان شده و لزوم توجه به مسائل محتوایی و پرداختن به فلسفه شکاف نظر و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در این کشورها پیشاپیش احساس شود.

آکساندر مدعی است که این شکاف پُشدنی نیست، چراکه نظریه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری توسط نظریه‌پردازانی تولید می‌شوند که به کاربست نظریه‌های خود تمایلی نشان نمی‌دهند (Alexander, 2010). در حالی که برخی متفکران برنامه‌ریزی از جمله نیل هریس (Harris, 2000) چنین استدلال می‌کنند که چنین شکافی بیشتر به سود نظریه‌پردازان شهری است تا برنامه‌ریزان شهری. هریس به خلاف آکساندر معتقد است که این شکاف پرشدنی است و پیروان هریس نیز (از جمله واتسون و همکاران) معتقدند که طی دهه‌های گذشته حوزه نظری مدیریت شهری حداقل از منظر برخی جنبه‌های آن از جمله برنامه‌ریزی شهری به حوزه عملی آن نزدیک‌تر شده است (Watson et al., 2020). دغدغه شکاف نظر و عمل در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مسئله‌ای جهانی است، به گونه‌ای که بسیاری از محققان در کشورهای مختلف (از جمله Pissourios, 2013; Saiu, 2020 و Palermo, 2024) با انتقاد از شیوه‌های رایج در بررسی شکاف نظر و عمل به بررسی انتقادی پژوهش‌ها و رویکردهای مختلف در این زمینه پرداخته و لزوم اتخاذ رویکردهای معرفت‌شناختی و روش‌شناسی را مطرح کرده‌اند.

در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، جان فریدمن یکی از نخستین نظریه‌پردازانی است که به شکاف میان «نظر» و «عمل» توجه جدی نشان داد. فریدمن در مدل «برنامه‌ریزی اجتماع - اصولی» و بعدها در تبیین «برنامه‌ریزی ساختاری - مسئله‌محور»، نشان می‌دهد چگونه برنامه‌ریزی در سطح نظری، تصویری منسجم، عقلانی و مبتنی بر آینده مطلوب ارائه می‌کند، اما در عمل با نیروهای سیاسی، منافع گروهی، محدودیت‌های سازمانی و ساختارهای قدرت گره می‌خورد. از نظر او، این شکاف زمانی تشدید می‌شود که برنامه‌ریزی رویکردی تکنوکراتیک به خود بگیرد و شهر را مجموعه‌ای از مسائل فنی فرض کند، در حالی که مسائل شهری در واقع «سیاسی - اجتماعی» هستند. به همین دلیل، فریدمن بر برنامه‌ریزی مشارکتی و توانمندسازی شهروندان تأکید می‌کند تا «عمل» بتواند به «نظر» نزدیک شود (Friedmann, 1993). از سوی دیگر، یورگن هابرماس با نظریه کنش ارتباطی و تمایز میان «عقلانیت ابزاری» و «عقلانیت ارتباطی» چارچوبی فراهم می‌کند که درک عمیق‌تری از شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی شهری به دست می‌دهد. در نگاه هابرماس، بخش زیادی از شکست‌های برنامه‌ریزی ناشی از سلطه عقلانیت ابزاری است: مدیران و برنامه‌ریزان به دنبال کارایی، کنترل، و خروجی‌های قابل اندازه‌گیری‌اند، در حالی که دنیای زیست‌شهروندان بر گفت‌وگو، تفاهم، ارزش‌ها و نیازهای کیفی استوار است. وقتی برنامه‌ریزی بدون گفت‌وگوی واقعی با گروه‌های جامعه انجام شود، «نظر» (برنامه، سند، طرح) از

«عمل» (زندگی روزمره، استفاده واقعی از فضا، مقاومت اجتماعی) جدا می‌شود (Habermas, 1996).

با این وجود، موضوعی که بر عمیق‌تر شدن این چالش و پیچیدگی آن در نظام مدیریت شهری ایران و به‌خصوص تهران می‌افزاید وارداتی بودن بسیاری از نظریه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است که نه تنها در خاستگاه‌های بومی و در چارچوب مقتضیات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بافتار ایرانی تولید نشده‌اند، بلکه در عمل نیز با تفسیرها و برداشت‌های متعدد (و گاهی متضاد با اهداف اولیه نظریه) پیاده شده‌اند که به نتایجی ضد خودشان منجر شده است؛ نمونه بارز آن در نظریه طرح‌های جامع شهری کاملاً قابل مشاهده است که برای دهه‌های متمادی است که بر ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه کالبدی شهرهای ایران غالب هستند (Pazhuhan, 2023). علاوه بر این، همان‌گونه که سامان پور (۲۰۲۲) استدلال می‌کند، شهرسازی رسمی در ایران فاقد انعطاف لازم برای پذیرفتن تجربه محلی است و در نتیجه، امکان اثرگذاری تجربه غیررسمی و عملی عاملان بر شهرسازی رسمی در ایران کمتر مورد توجه بوده است که این صلیبیت نیز از ویژگی‌های نظام مدیریت شهری در ایران محسوب می‌شود (Moghaddam and Rafeian, 2020; Farhoodi et al., 2009). این معضلات در ماهیت و ساختار مدیریت شهری در ایران لزوم پرداختن به مسئله شکاف نظر و عمل در بافتار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی را برجسته‌تر می‌کند.

در کنار این‌ها، بی‌اعتمادی عمومی نسبتاً گسترده به علم و رشد نفوذ این ایده، به‌ویژه در میان مدیران و سیاست‌گذاران شهری، که نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری از حل مسائل پیچیده و چندبُعدی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران عاجزند عامل مهم دیگری در فاصله گرفتن قابل توجه نظریه‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی شهری از حوزه سیاست‌گذاری عملی در مدیریت شهری است که پدیده خطرناک مدیریت سلیقه‌ای و لحظه‌ای بدون پشتوانه‌های علمی و تخصصی را ترویج کرده است. در نهایت، عقب ماندن زمانی نظریه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از واقعیات روز کلان‌شهرهایی مانند تهران، که کلان‌متنبرهایی همچون تغییرات فناوری، نیازهای اجتماعی و عدم قطعیت‌های اقتصادی به‌سرعت در حال تأثیرگذاری هستند، ضرورت رویکردهای نظری و عملی متناسب برای پاسخ‌گویی به نیازها را دوچندان کرده است. در ابرشهری مانند تهران و در فقدان پل ارتباطی‌دهنده نظریه و عمل در عرصه‌های مختلف و درهم‌تنیده شهر، هزینه‌های مدیریت شهر به‌شدت بالا رفته و هم‌زمان نارضایتی عمومی از عملکرد سازمان‌های عمومی مدیریت شهری را بالا برده است. علاوه بر این، این شکاف در نظام مدیریت شهری تهران به تولید و بازتولید ناکارآمدی‌های اقتصادی مدیریت شهری (از جمله هزینه‌های بالای نگهداشت و توسعه شهر، هدررفت منابع ملی و محلی، تأخیرهای غیرقابل توجیه در پروژه‌های توسعه و افزایش بهای تمام‌شده خدمات شهری) منجر شده است (Mirzakhani et al., 2021; Ghasemi, 2018). در واقع، هزینه‌های معرفت‌شناختی شکاف نظر و عمل در نظام مدیریت شهری تهران که شامل هزینه‌های ناشی از آزمون و خطای نظریات وارداتی و صرف منابع مالی کلان برای اجرای آن‌ها از یک‌سو و هزینه‌های ناشی از عدم توجه به تجربه محلی و دانش زیسته کارشناسی و بومی از سوی دیگر است، در مجموع شرایطی را فراهم آورده که شهر تهران در شرایط فعلی هم بسیار گران اداره می‌شود و هم هم‌زمان

شهروندان تهرانی از کیفیت خدمات عمومی ارائه شده رضایت ندارند. در راستای پردازش علمی موضوع شکاف میان نظریه و عمل در نظام مدیریت شهری تهران و فراهم آوردن زمینه‌های منطقی و مستند برای پیشبرد بیشتر این موضوع در محافل علمی و مدیریتی، هدف اصلی مطالعه حاضر ارزیابی میزان پرداختن پژوهش‌های پیشین به ابعاد فلسفی شکاف نظر و عمل در حوزه مدیریت شهری تهران با استفاده از رویکرد ارزیابی انتقادی است. بنابراین، به خلاف مطالعات پیشین که شکاف را به یک نقص اجرایی تقلیل داده‌اند، پژوهش حاضر آن را به عنوان یک نقص معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در پارادایم‌های مسلط در نظر می‌گیرد. لذا هدف اصلی مطالعه حاضر، آسیب‌شناسی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی پژوهش‌های پیشین و هدف فرعی آن، ارائه نوعی چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی مجدد مسئله در مدیریت شهری تهران است. در راستای اهداف مطالعه، دو سؤال اصلی و فرعی نیز قابل طرح است: سؤال اصلی؛ در پژوهش‌هایی که دغدغه شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری داشته‌اند، کدام آسیب‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی نهفته است؟ سؤال فرعی؛ کدام چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی مجدد مسئله در مدیریت شهری تهران مورد نیاز است؟

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر بنا به ماهیت خود و برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از روش ارزیابی انتقادی برای بررسی پژوهش‌های منتخب استفاده می‌کند. لذا به لحاظ ماهیت، مطالعه حاضر در دسته پژوهش‌های فرانظری (Meta-Theoretical Study) قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب رویکرد ارزیابی انتقادی، ماهیت اهداف مطالعه حاضر است؛ از آنجا که مقاله حاضر به دنبال ارزیابی محتوا و ساختار پژوهش‌های پیشین در حوزه ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران است، به روشی نیاز دارد که هم محتوای ارزیابانه داشته باشد و هم رویکرد انتقادی. به همین دلیل، ارزیابی انتقادی بهترین گزینه روشی برای این موضوع محسوب می‌شود. در ادامه، ابتدا به بررسی چارچوب‌های رایج ارزیابی انتقادی پرداخته می‌شود و سپس، چارچوب مناسب بر مبنای اهداف مطالعه حاضر انتخاب خواهد شد.

مرور انتقادی بر چارچوب‌های ارزیابی متون

ارزیابی انتقادی پژوهش‌های علمی در حوزه‌های مختلف، معمولاً از سه دسته رویکردهای اصلی پیروی می‌کند (Yin, 2014; Creswell, 2013)؛ رویکردهای صورتی - روش‌شناختی، رویکردهای گفتمانی - معنابنیاد، و رویکردهای تاریخی - زمینه‌ای. به اعتقاد بین رویکردهای صورتی عمدتاً بر کیفیت ساختاری، انسجام منطقی، سازگاری روش و مسئله، و اعتبار داده‌ها تمرکز دارند و تلاش می‌کنند پژوهش را بر اساس معیارهای روش‌شناختی استاندارد ارزیابی کنند (Yin, 2014). در مقابل، رویکردهای گفتمانی مانند نقد گفتمان انتقادی، به تحلیل چارچوب‌های معنایی، مفروضات پنهان، و سازوکارهای قدرت در پس متون علمی می‌پردازند. رویکردهای تاریخی نیز پژوهش‌ها را در

بستر تحولات علمی، نهادی و اجتماعی قرار می‌دهند و بر شرایط تاریخی تولید دانش تمرکز می‌کنند.

با وجود اهمیت این رویکردها، همان‌گونه که کرسول نیز استدلال می‌کند، هر یک از آن‌ها نوع خاصی از ارزیابی را ممکن می‌سازد و به دلیل محدودیت دامنه تحلیلی، معمولاً قادر نیستند ترکیب هم‌زمان ارزیابی صورتی - روش‌شناختی و ارزیابی پارادایمی - هستی‌شناختی را انجام دهند (Creswell, 2013). برای نمونه، نقد گفتمان علی‌رغم توانایی‌اش در آشکارسازی ساختارهای قدرت و مفروضات معنایی، کمتر به انسجام روش، استدلال، و کیفیت طراحی پژوهش می‌پردازد. در مقابل، نقد تاریخی در توضیح زمینه تولید دانش موفق است، اما نمی‌تواند به صورت نظام‌مند بنیان‌های معرفت‌شناختی یا روش‌شناختی پژوهش‌ها را تحلیل کند. بنابراین، این رویکردها برای ارزیابی انتقادی چندلایه و جامع، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون برنامه‌ریزی و مدیریت شهری که هم حساسیت‌های روش‌شناختی و هم ابعاد نظری - پارادایمی اهمیت دارند، کفایت لازم را ندارند.

در چنین زمینه‌ای، چارچوب‌های یونگ و سولومون (برای ارزیابی صورتی، روش‌شناختی و کیفیت علمی پژوهش) و چارچوب آوسون و سندبرگ (برای ارزیابی انتقادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) ظرفیت آن را دارند که شکاف میان دو سنت تحلیلی عمده را پر کنند. چارچوب نخست امکان تحلیل دقیق عناصر ساختاری پژوهش، از مسئله‌مندی تا انتخاب روش و انسجام منطقی، را فراهم می‌کند، در حالی که چارچوب دوم پژوهش را از سطح تکنیکی فراتر می‌برد و مفروضات پارادایمی، نوع نگاه به واقعیت، و بنیان‌های معرفت‌شناسی پژوهشگر را آشکار می‌سازد. ترکیب این دو رویکرد، که به صورت یک چک‌لیست انتقادی دووجهی عمل می‌کند، نسبت به رویکردهای منفردی مانند نقد گفتمان یا نقد تاریخی هم جامع‌تر است و هم متناسب‌تر با هدف تحلیل شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری؛ زیرا این مسئله هم ابعاد مفهومی - پارادایمی دارد و هم مبتنی بر تحلیل کیفیت طراحی و روش پژوهش‌های پیشین است. بر همین اساس، در ادامه دو چارچوب پیش‌گفته بررسی و تحلیل می‌شوند.

به اعتقاد یونگ و سولومون، ارزیابی انتقادی نوعی فرایند سیستماتیک است که برای شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های پژوهش‌های پیشین و به منظور ارزیابی سودمندی و اعتبار یافته‌های آن‌ها استفاده می‌شود. مهم‌ترین اجزای یک ارزیابی انتقادی از دیدگاه یونگ و سولومون، ارزیابی مناسب بودن طرح مطالعه برای سؤال تحقیق و ارزیابی دقیق ویژگی‌های کلیدی روش‌شناختی این طرح است. همچنین، از نظر آن‌ها عوامل دیگری که باید در نظر گرفته شوند عبارت‌اند از: مناسب بودن روش‌های آماری مورد استفاده و تفسیر بعدی آن‌ها، تضاد منافع بالقوه و ارتباط تحقیق با عملکرد خود فرد (Young and Solomon, 2009). یونگ و سولومون نوعی راهنمای ۱۰ مرحله‌ای را برای ارزیابی پژوهش‌ها پیشنهاد می‌دهند که شامل ۱۰ سؤال کلیدی است (شکل ۱).

کادرنوشت ۱: ۱۰ سؤال کلیدی در روش‌شناسی ارزیابی انتقادی یونگ و سولومون

۱. آیا سؤال مطالعه مرتبط است؟
۲. آیا مطالعه چیز جدیدی اضافه می‌کند؟
۳. چه نوع سؤال تحقیقاتی پرسیده شده است؟
۴. آیا طرح مطالعه برای سؤال تحقیق مناسب بود؟
۵. آیا روش‌های مطالعه به مهم‌ترین منابع بالقوه سوگیری (Bias) پرداخته است؟
۶. آیا مطالعه طبق پروتکل اصلی انجام شده است؟
۷. آیا مطالعه فرضیه بیان شده را آزمایش می‌کند؟
۸. آیا تجزیه و تحلیل‌های آماری به درستی انجام شده است؟
۹. آیا داده‌ها نتایج را توجیه می‌کنند؟
۱۰. آیا موردی از ملاحظات تعارض منافع (Conflict of Interest) رخ داده یا مستعد رخداد است؟

شکل ۱. سؤال کلیدی در روش‌شناسی ارزیابی انتقادی یونگ و سولومون (Young and Solomon, 2009)

همچنین، آلسون و سندبرگ رویکرد مسئله‌مندسازی پژوهش را به عنوان یک روش‌شناسی انتقادی برای شناخت و تمیز دادن و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها درباره موضوع پژوهش پیشنهاد داده‌اند. آلسون و سندبرگ معتقدند که ارائه استدلال‌هایی همچون «پژوهش‌های موجود ناکامل هستند»، «چشم‌اندازهای مهمی را نادیده گرفته‌اند» و یا «شکاف‌هایی در این پژوهش‌ها وجود دارند که به پر شدن نیاز دارند»، گرچه فرصت‌هایی برای پژوهش بیشتر فراهم کرده‌اند، اما چنین دیدگاهی به دلیل اینکه فرضیات اساسی موجود در پژوهش‌های پیشین را به چالش نمی‌کشد و بنابراین، از طرح قاعده‌مند پرسش‌های جدید عاجز است و مطلب جدیدی به پیشینه موجود اضافه نمی‌کند. بنابراین، از دیدگاه آلسون و سندبرگ به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌های فکری یک پارادایم و یا دیدگاه موجود با رویکرد مسئله‌مندسازی مهم‌ترین گام در ارزیابی انتقادی است. این‌گونه پژوهشگر به جای استفاده از پرسش‌های آماده از طریق مسئله‌مندسازیⁱⁱ و مواجهه دیالکتیک با دیدگاه‌های مختلف و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های رایج دست

به طرح پرسش‌های جدید می‌زند (Alvesson & Sandberg, 2011). در داخل نیز تحقیقاتی در زمینه تطبیق این چارچوب با شرایط مدیریت سازمان‌های عمومی انجام شده است. برای نمونه، حسینی و دیگران (۲۰۲۳) با بررسی چارچوب پیشنهادی آلسون و سندبرگ نتیجه گرفته‌اند که این چارچوب می‌تواند برای فهم موضوعاتی که سازمان‌های دولتی و عمومی در ایران به عنوان مسئله مطرح می‌کنند کمک شایانی کند به‌خصوص اینکه در ایران خط‌مشی‌ها واکنش‌هایی به مسائلی نیستند که باید حل شوند، بلکه خودشان، در اغلب اوقات، شکل‌دهنده مسائل جدید و یا تشدیدکننده مسائل قبلی هستند. همچنین، صرافی (۲۰۲۵) در پژوهش اخیر خودⁱⁱⁱ از چارچوب مسئله‌مندسازی به عنوان روشی برای ارزیابی انتقادی نسبت به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی متداول در خصوص روندهای ناپایدارسازی شهری و منطقه ای در ایران استفاده کرده است. در شکل ۲ روش‌شناسی پیشنهادی آلسون و سندبرگ تبیین شده است.

کادرنوشت ۲: روش‌شناسی ارزیابی انتقادی پیشنهادی آلسون و سندبرگ

گونه‌شناسی از مفروضاتی که در رویکرد مسئله‌مندسازی ارزیابی می‌شوند؛

- ✓ فرضیاتی که بنیادین مکاتب فکری هستند.
- ✓ استعاره‌های ریشه‌ای به معنای تصویری بزرگ‌تر از یک موضوع ویژه که اساس پیشینه موجود است (state of the art)
- ✓ پارادایم؛ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فرضیات روش‌شناختی پیشینه پژوهش
- ✓ ایدئولوژی؛ فرضیات سیاسی، اخلاقی و ... پیشینه پژوهش
- ✓ رشته یا زمینه (field)؛ فرضیاتی در مورد موضوعاتی خاص که در میان مکاتب و نظریات مختلف به اشتراک گذاشته شده است.

اصول شناسایی و به چالش کشیدن مفروضات با جهت‌گیری طرح پرسش‌های جدید؛

- ✓ تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی
- ✓ شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری
- ✓ ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
- ✓ توسعه فرضیات جایگزین و بررسی شیوه‌های جایگزینی آن‌ها
- ✓ ارزیابی میزان قانع‌کنندگی فرضیات جدید در میان مخاطبان

شکل ۲. روش‌شناسی ارزیابی انتقادی پیشنهادی آلسون و سندبرگ (Alvesson & Sandberg, 2010)

با توجه به اینکه چارچوب پیشنهادی یونگ و سولومون برای ارزیابی کیفیت علمی و محتوای روشی و چارچوب پیشنهادی آلوسون و سندبرگ به منظور ارزیابی انتقادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، چارچوبی کامل و متناسب با اهداف تحقیق حاضر را ارائه می‌دهند، در مقایسه با سایر روش‌ها از جمله نقد گفتمان یا نقد تاریخی نیز ارجحیت دارد. علاوه بر این‌ها، به دلیل عدم جامعیت یک روش خاص، برای نمونه نقد گفتمان یا نقد تاریخی، در فرایند ارزیابی انتقادی پژوهش‌های پیشین، از ترکیب دو چارچوب پیش‌گفته برای ارزیابی انتقادی پژوهش‌های پیشین در خصوص شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری در ایران (تهران) استفاده خواهد شد.^{۱۷} بنابراین، ابزار تحلیل داده‌ها، چارچوب ترکیبی و مدون برگرفته از یونگ و سولومون و آلوسون و سندبرگ خواهد بود که به عنوان یک چک‌لیست انتقادی دووجهی (نقد صوری و نقد پارادایمی) عمل می‌کند.

در نهایت، به منظور اطمینان از روایی ابزار ترکیبی نقد، پیش‌نویس چک‌لیست و فرایند کدگذاری در اختیار دو تن از اساتید خبره رشته (متخصص در روش‌شناسی کیفی و برنامه‌ریزی انتقادی) قرار گرفت و پس از اعمال نظر ایشان، اعتبار محتوایی و ساختاری ابزار ترکیبی تأیید شد. همچنین، به منظور تأمین قابلیت وابستگی (Dependability) فرایند تحلیل، تمامی مقالات نمونه توسط دو نفر از تیم پژوهش (نویسنده و یک همکار دیگر) به صورت مستقل با استفاده از ابزار ترکیبی کدگذاری و ارزیابی شدند و میزان توافق بین کدگذاران (Coder-Inter Agreement) در استخراج نقدها و فرضیات پنهان، بالای ۹۰ درصد گزارش شد.

برای ارزیابی انتقادی پژوهش‌های مرتبط با شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران ابتدا و طی یک جست‌وجوی سیستماتیک در پایگاه‌های علمی و استنادی (شامل گوگل اسکالر فارسی، پایگاه اطلاعات علمی و مجلات دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات نور و پایگاه علم نت) کلیدواژه‌های «شکاف نظر و عمل در ایران»، «شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری»، «عملگرایی در مدیریت شهری ایران و تهران»، «مدیریت شهری تهران و شکاف نظر و عمل»، «ترمیم شکاف نظریه و اقدام در مدیریت شهری»، «پر کردن شکاف نظر و

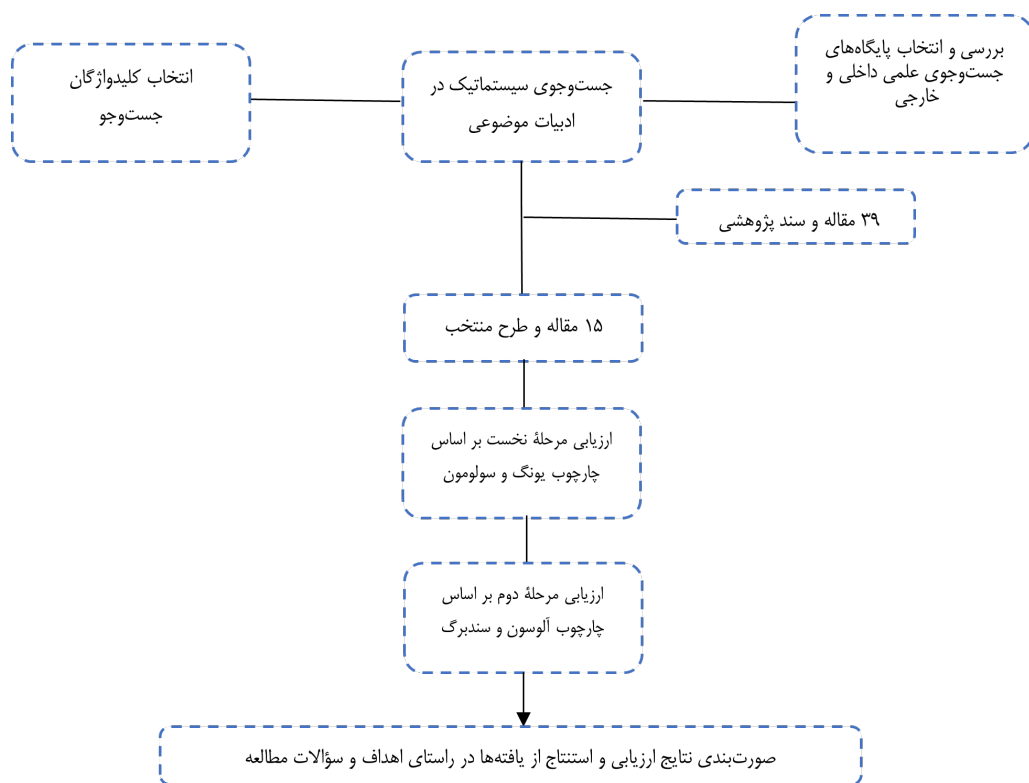
عمل در مدیریت شهری»، «گسست میان نظریه و کنش» و «گسست علم و عمل در مدیریت شهری تهران» جست‌وجو شدند. بازه زمانی جست‌وجو نیز با توجه به آگاهی از این واقعیت که ادبیات موضوعی شکاف نظر و عمل در داخل کشور محدود است، بدون محدودیت انتخاب شد. محصول مقدماتی این جست‌وجو پس از پالایش‌های اولیه (مانند حذف موارد غیرمرتبط با حوزه مدیریت شهری) مشتمل بر ۳۹ مقاله، طرح تحقیقاتی و گزارش علمی بود که پس از مطالعه عنوان و چکیده به عنوان یافته‌های نهایی و کاندید انتخاب و ذخیره شدند. در مرحله بعدی نیز با بهره‌گیری از سه معیار، به عنوان فیلترهای نهایی برای انتخاب نمونه‌های ارزیابی، نمونه‌ها انتخاب شدند؛ این سه معیار عبارت بودند از:

۱. متمرکز بودن تحقیق بر دغدغه شکاف نظر و عمل؛

۲. سوگیری مرتبط با مسائل شهری؛

۳. داشتن پیشنهادهایی برای ترمیم شکاف نظر و عمل.

در نهایت و به عنوان نتیجه اعمال معیارهای سه‌گانه یادشده، ۱۵ مقاله و گزارش علمی برای ورود به مرحله ارزیابی انتقادی انتخاب شدند. همچنین، نتیجه مقدماتی جست‌وجو از فیلتر سه معیار مختلف گذرانده شدند و این اطمینان حاصل شد که تکرار چرخه اعمال فیلتر نتیجه مشابهی خواهد داشت. نکته مهم بعدی این بود که گرچه تمایل به افزایش تعداد نمونه‌ها برای ارزیابی، به دلیل افزایش روایی نتایج وجود داشت، اما طی بررسی‌های اولیه مشخص شد که افزودن مواردی که طبق سه معیار اصلی با ۱۵ نمونه نهایی همخوانی ندارد، جدای از اینکه فرایند ارزیابی را کم‌اعتبار می‌کند، بر نتایج ارزیابی نیز اثرات منفی خواهد داشت. در نهایت اینکه برخی مقالات منتخب گرچه مستقیم بر «تهران» «تمرکز موضعی» نداشتند، اما از یک‌سو به دلیل داشتن هر سه معیار انتخاب و همچنین، ارتباط و تأثیر غیرمستقیم با تهران و «تمرکز موضعی» شایستگی مورد نیاز را برای قرار گرفتن در نمونه‌ها یافتند. بنابراین، کفایت حجم نمونه (۱۵ مقاله) با رسیدن به اشباع نظری در ابعاد نقد پارادایمی و استخراج تمامی تم‌های انتقادی بر اساس چارچوب آلوسون و سندبرگ تأمین شد. در شکل ۳ فرایند روش‌شناختی تحقیق ارائه شده است.



شکل ۳. فرایند روش‌شناختی انتخاب نمونه‌های ارزیابی

۳. فرایند تحلیل محتوا

با مشخص شدن ابزار تحلیل محتوا و تعیین تعداد نمونه، در گام بعدی تحلیل محتوای کیفی پژوهش‌ها و مطالعات منتخب انجام شد. مطالعه حاضر هر مقاله/پژوهش/مطالعه به مثابه واحد تحلیل در نظر گرفته شده است. دسته‌بندی ۱۵ پژوهش منتخب ابتدا بر اساس چارچوب ارزیابی ترکیبی انجام شد؛ به این ترتیب که ابتدا شایستگی روش‌شناختی و عمق محتوایی پژوهش‌ها بر اساس چارچوب پیشنهادی یونگ و سولومون مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفت. سپس، مقوله‌بندی مفاهیم بر اساس گونه‌شناسی مفروضاتی که در رویکرد مسئله‌مندسازی آلوسون و سندبرگ پیشنهاد شده‌اند، انجام شد. در نهایت، مفروضات پژوهش‌های منتخب با جهت‌گیری طرح پرسش‌های جدید با بهره‌گیری از اصول پنجگانه شناسایی شده و به چالش کشیده شدند. به بیان دیگر، هر مقاله/پژوهش به عنوان واحد تحلیل به‌دقت مطالعه شد. سپس، بخش‌های مختلف مقاله (از چکیده تا نتیجه‌گیری) بر مبنای ۱۰ سؤال یونگ و سولومون در قالب مقوله‌های موضوعی مختلف از هم تفکیک شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این فرایند تلاش شد تا مقوله‌های موضوعی از غربال چارچوب ارزیابی یونگ و سولومون عبور داده شوند تا در نهایت میزان شایستگی طرح مطالعه و ویژگی‌های کلیدی روش‌شناختی واحدهای تحلیل مشخص شوند. سپس، این واحدهای تحلیل دوباره بر اساس گونه‌شناسی مفروضات آلوسون و سندبرگ دوباره و با هدف درک فرضیات/نظریات مبنایی مورد قبول مطالعه مقوله‌بندی شده و سپس نتایج و دستاوردهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن‌ها بر اساس اصول پنج‌گانه به چالش کشیده شده‌اند.

۴. تحلیل پارادایمی و فراتحلیل انتقادی

در این بخش به ارزیابی انتقادی پژوهش‌های منتخب بر اساس چارچوب ترکیبی یونگ و سولومون و آلوسون و سندبرگ پرداخته می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که فرایند ارزیابی بر اساس سؤالات یونگ و سولومون و معیارهای آلوسون - سندبرگ طراحی شده است. بر این اساس، ابتدا با بهره‌گیری از چارچوب پیشنهادی یونگ و سولومون و از طریق یافتن پاسخ برای سؤالات سعی می‌شود قوت‌ها و ضعف‌های پژوهش‌های منتخب و میزان سودمندی و اعتبار یافته‌های آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. سپس، با استفاده از چارچوب پیشنهادی آلوسون و سندبرگ، پیش‌فرض‌ها و میزان توانمندی این پژوهش‌ها در صورت‌بندی سؤالات جدید و ارائه افق‌های نو در ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران بر اساس چارچوب ارزیابی آلوسون - سندبرگ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، فرایند ارزیابی انتقادی مطالعه حاضر دو مرحله‌ای و مبتنی بر شایستگی پژوهش‌های منتخب بر اساس مناسب بودن طرح مطالعه و ویژگی‌های کلیدی روش‌شناختی و همچنین، میزان مسئله‌مندسازی موضوع ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران و مواجهه دیالکتیک آن‌ها با دیدگاه‌های مختلف طراحی شده است. در جدول‌های ۱ و ۲ پژوهش‌های منتخب همراه با نتایج ارزیابی بر اساس رویکرد ترکیبی یونگ - سولومون و آلوسون - سندبرگ به ترتیب و به تفکیک ارزیابی شکلی (بر اساس چارچوب یونگ - سولومون) و ارزیابی محتوایی - پارادایمی (بر اساس چارچوب آلوسون - سندبرگ) آورده شده‌اند.

جدول ۱. ارزیابی شکلی پژوهش‌های پیشین بر اساس چارچوب یونگ - سولومون

عنوان پژوهش	راهنمای ۱۰ مرحله‌ای یونگ و سولومون ^۲
<p>آیا سؤال مطالعه مرتبط است؟ بله (معطوف به دغدغه شکاف نظر/عمل است) آیا مطالعه چیز جدیدی اضافه می‌کند؟ بله (ریشه‌های احتمالی شکاف بررسی و برخی نواقص پارادایم اثبات‌گرایی از نگاه جدایی نظر از عمل موشکافی شده‌اند) چه نوع سؤال تحقیقاتی پرسیده شده است؟ اکتشافی آیا طرح مطالعه برای سؤال تحقیق مناسب بود؟ بله (بیشتر مؤلفه‌های روش شناختی اعم از طرح اصولی مسئله، بیان دقیق سؤال، پیکره‌بندی علمی مطالعه و مانند این‌ها را دارد) آیا روش‌های مطالعه به مهم‌ترین منابع بالقوه سوگیری (Bias) پرداخته است؟ خیر آیا مطالعه طبق پروتکل اصلی (ساختار تحقیقی پژوهش شامل سؤالات، فرضیات، روش تحقیق و ...) انجام شده است؟ تا حدودی (مواردی مانند عمق کم در بیان مسئله، بدنه تحلیلی ضعیف و ناکافی در پرداخت نظریه انتقادی وجود داشت) آیا مطالعه فرضیه بیان شده را آزمایش می‌کند؟ بله درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ - آیا داده‌ها نتایج را توجیه می‌کنند؟ - آیا موردی از ملاحظات تعارض منافع (Conflict of Interest) رخ داده یا مستعد رخداد است؟ خیر</p>	<p>نقدی بر شکاف نظریه و عمل در پارادایم مدرن-اثبات‌گراییانه در مدیریت و سازمان (Abdollahi & Mohammadi, 2017)</p>
<p>مرتبط بودن سؤال؟ بله (محور سؤال نحوه ترمیم شکاف نظر و عمل است) مطلب جدید؟ بله (مدلی برای ترمیم شکاف ارائه می‌دهد) نوع سؤال تحقیقاتی؟ اکتشافی مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (ساختار تحقیق مناسب طراحی شده است) وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ تا حدودی (ایرادهایی مانند بررسی پیشینه تحقیق و ادبیات جهانی موضوع ضعیف بودند) آزمایش فرضیه بیان شده؟ (سؤالات پاسخ داده شده‌اند) درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ بله (از مدل معادلات ساختاری که معتبر است استفاده شده است و داده‌ها نیز معتبرند) توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ با توجیه به روایی و پایایی بالای مدل، بله تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر</p>	<p>توسعه پایدار: از سیاست‌گذاری تا عمل (تبیین مدل شکاف خط‌مشی‌های عمومی در حوزه محیط زیست) (Rezaei et al., 2023)</p>
<p>مرتبط بودن سؤال؟ (فاقد سؤال) مطلب جدید؟ بله (روش‌ها و راهبردهایی برای نزدیکی حوزه نظر و عمل در شهرداری تهران ارائه شده است) نوع سؤال تحقیقاتی؟ فاقد سؤال مناسب بودن طرح مطالعه؟ دغدغه اصلی که ترمیم شکاف نظر و عمل در شهرداری تهران بوده در مرکز مطالعه قرار داشت. وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ تا حدودی (مطالعه فاقد سؤال و فرضیه بود) آزمایش فرضیه بیان شده؟ خیر درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ (مطالعه به صورت کیفی و با مرور و ارزیابی اسناد و فرایندها انجام شده است) توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله تعارض منافع؟ خیر</p>	<p>آسیب‌شناسی سازوکارهای فرایند پژوهش در شهرداری تهران و ارائه راهکارهای اجرایی (Jalili-Sadrabad & Sanjideh, 2022)</p>
<p>مرتبط بودن سؤال؟ (فاقد سؤال) مطلب جدید؟ بله (با شناسایی حلقه‌های معیوب در نظام عرضه و تقاضای پژوهش مدلی برای ترمیم شکاف پیشنهاد می‌دهد) نوع سؤال تحقیقاتی؟ - مناسب بودن طرح مطالعه؟ (گرچه پژوهش فاقد سؤال و فرضیه است، اما روش‌شناسی ساختارمند و منسجمی برای بررسی موضوع به کار برده است) وجود منابع بالقوه سوگیری؟ خیر انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ بله (به استثنای سؤال و فرضیه، باقی استانداردهای تحقیق رعایت شده است) آزمایش فرضیه بیان شده؟ خیر درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ - آیا داده‌ها نتایج را توجیه می‌کنند؟ - تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر</p>	<p>آسیب‌شناسی جایگاه پژوهش و کاربست آن در مدیریت شهری مطالعه موردی؛ نظام مدیریت شهری تهران (Alvani et al., 2018)</p>
<p>مرتبط بودن سؤال؟ بله (هم عنوان مقاله سؤال‌گونه است و هم همین سؤال محور روش‌شناختی و معرفت‌شناختی پژوهش قرار گرفته است) مطلب جدید؟ بله (با روش کیفی و ارائه شواهد متعدد تلاش دارد تا کارآمدی نهادهای غیررسمی در نزدیک کردن نظر و عمل در نوسازی بافت‌های فرسوده را اثبات کند) نوع سؤال تحقیقاتی؟ (اکتشافی) مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (ساختار یک تحقیق کیفی بر مبنای استانداردهای علمی از جمله طرح تحقیق مناسب، روش‌شناسی دقیق و ارائه شواهد و یافته‌ها رعایت شده است) منابع بالقوه سوگیری (Bias) پرداخته است؟ خیر (مطالعه نسبت به برخی نظریات از جمله نظریه ساخت‌یابی‌گیدنز تعصب بیش از حد نشان داده است) انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش کیفی رعایت شده است) آزمایش فرضیه بیان شده؟ - درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ بله توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر</p>	<p>نهادهای مردمی ایرانی چگونه می‌توانند شهرسازی را اصلاح کنند؟ بررسی موردی در محله شوش (Samanpour, 2022)</p>

مرتبط بودن سؤال؟ بله (محور سؤال نقش قدرت شهری در راستای ترمیم نظریه و عمل در مدیریت شهری است) مطلب جدید؟ خیر (پیشنهادها کلی و با وجود دغدغه ترمیم شکاف، نتایج و شواهد علمی چندانی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی ارائه نمی‌شود) نوع سؤال تحقیقاتی؟ اکتشافی مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر مطالعه نسبت به برخی نظریات که ماهیت ضد سرمایه‌داری دارند تعصب بیش از حد نشان داده است) انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ تا حدودی (ضعف جامعیت نظری در بررسی همه دیدگاه‌های مهم و تأثیرگذار، فقدان تبیین رابطه قدرت شهری و شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران و فقدان ارائه شواهد علمی کافی از مهم‌ترین ضعف‌های پژوهش است) آزمایش فرضیه؟ خیر (مطالعه فاقد فرضیه است) درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ - توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ خیر، به دلیل فقدان ارائه شواهد کافی، فقدان مدل نظری جامع و عدم توانایی در فراهم‌آوری نتایج قابل اتکا تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

تبیین مفهوم «قدرت شهر» و اثرات آن در فرایند توسعه شهر تهران (Nezhadbah-ram & Jalili, 2020)

مرتبط بودن سؤال؟ فاقد سؤال و فرضیه است و نظریه پراکسیس را به صورت پیش‌فرض قبول کرده است) مطلب جدید؟ تأکید بر ضرورت وجود مهارت‌های چانه‌زنی، ارتباط با جوامع، میانجیگری و تسهیلگری به عنوان رویکردهای کاهش شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی شهری از نتایج مفید مطالعه است) نوع سؤال تحقیقاتی؟ مناسب بودن طرح مطالعه فاقد سؤال بود، اما با محور قرار دادن نحوه ترمیم شکاف نظر و عمل در حوزه آموزش عالی برنامه‌ریزی شهری توانسته به شواهد مناسبی دست یابد) وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر (مبانی نظری مطالعه تحت سیطره نظریات فوکو قرار دارد) انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ تا حدودی (فاقد جامعیت نظری برای تحلیل نقش قدرت در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است) آزمایش فرضیه بیان شده؟ خیر درستی تجزیه و تحلیل‌ها؟ - توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله (با توجه به اتکا یافته‌های مقاله به داده‌های رسمی، معتبر و قابل دسترس) تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

بررسی مفهوم پراکسیس شهری در کاهش شکاف میان نظریه و عمل (Noorian & Esmaeili, 2023)

مرتبط بودن سؤال؟ بله (در چکیده و مقدمه مطالعه سؤال مطرح شده است) مطلب جدید؟ بله (با بررسی ادبیات موضوعی مدیریت مبتنی بر شواهد و طرح دغدغه شکاف میان حوزه نظر و عمل در مدیریت حوزه عمومی و تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت شکاف میان بین دانشگاهیان و نظریه‌پردازان و مدیران اجرایی در این حوزه به معرفی راهبردهایی برای ترمیم شکاف در هر دو حوزه نظر و عمل پرداخته است) نوع سؤال تحقیقاتی؟ (اکتشافی) مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (با توجه به تعریف روند مطالعه بر اساس مدل هرم شواهد و آسیب‌شناسی وضعیت موجود در چارچوب آن و همچنین، بررسی ادبیات موضوعی و شواهد و مدارک در دسترس، طرح مطالعه منسجمی است) وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر اما در عین حال مطالعه دارای سوگیری است؛ کمبود آگاهی مدیران را دلیل اصلی کم‌توجهی به رویکرد مدیریت مبتنی بر شواهد معرفی شده است. انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش کیفی رعایت شده است) آزمایش فرضیه بیان؟ بله (پیش‌فرض اصلی مطالعه، کمبود آگاهی به عنوان دلیل اصلی بی‌توجهی به رویکرد مبتنی بر شواهد است) درستی تجزیه و تحلیل‌ها؟ - توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

مدیریت مبتنی بر شواهد؛ پلی بر شکاف علم مدیریت و عمل مدیر (Pazhohesh Jahromy, 2017)

مرتبط بودن سؤال؟ بله (مطالعه به چگونگی رابطه میان دانش و عمل برنامه‌ریزی شهری در شرکت‌های مهندسی مشاور با هدف شناسایی شکاف میان دانش و عمل برنامه‌ریزی شهری پرداخته است) مطلب جدید؟ بله (با بررسی موضوع از زاویه دید دانش صریح و دانش ضمنی و نسبت آن‌ها با دغدغه شکاف نظر و عمل به تحلیل این شکاف در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تهران پرداخته و آسیب‌شناسی‌های جدیدی در این حوزه ارائه کرده است) نوع سؤال تحقیقاتی؟ (اکتشافی) آیا طرح مطالعه برای سؤال تحقیق مناسب بود؟ بله (با توجه به انتخاب مهندسی مشاور شهرسازی به عنوان واحد تحلیل و انتخاب روش تحلیل مضمون بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته، طرح مطالعه منسجم است) وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر آیا مطالعه طبق پروتکل اصلی انجام شده است؟ (استانداردهای پژوهش کیفی رعایت شده است) آزمایش فرضیه بیان شده؟ به سؤال تحقیق پاسخ داده شده است درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ - توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله (با توجه به اتکاء نتایج به یافته‌های عینی حاصل از تحقیقات میدانی) تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

شکاف میان دانش و عمل برنامه‌ریزی شهری: یافته‌هایی از شرکت‌های مهندسی مشاور تهران (Nejati & Nedae Tousi, 2025)

مرتبط بودن سؤال؟ بله (در مقدمه بیان شده است)
 مطلب جدید؟ بله (مطالعه با مرور ادبیات نظری و دیدگاه نظریه پردازان طراح شهری در خصوص راهکارهای شکاف نظر و عمل توانسته به جمع بندی نسبتاً جامعی از راهکارهای ترمیم بر اساس دیدگاه‌های نظریه پردازان برسد. همچنین، مطالعه سعی کرده حرفه مبتنی بر شواهد را به عنوان چارچوبی راهنمای برای حرکت در مسیر ترمیم شکاف معرفی و بازتعریف کند)
 نوع سؤال تحقیقاتی؟ (پژوهشی)

شکاف میان نظریه و حرفه در طراحی شهری معاصر (Samavati, 2020)
 مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (مطالعه سعی کرده از طریق یک مقایسه تطبیقی بین حوزه نظر و عمل طراحی شهری به دغدغه شکاف بین این دو از دیدگاه نظریه پردازان بپردازد)
 منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر (مطالعه فقط بر دیدگاه‌های نظریه پردازان تکیه کرده و از دیدگاه‌های عملگرایان غافل شده است)
 انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ بله (با توجه به رعایت ساختارمندی در فرایند پژوهش‌های توصیفی و بررسی جامع نظریات با جهت‌گیری دغدغه عمل و نظر)

آزمایش فرضیه بیان شده؟ بله (پیش فرض وجود شکاف بین نظریه و عمل مورد تأیید واقع شده است)
 درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ -
 توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله
 تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

مرتبط بودن سؤال؟ بله (سؤال با دغدغه شکاف میان نظر و عمل از منظر چالش‌های موجود در نظام آموزش عالی مطرح شده است)
 مطلب جدید؟ خیر (با توجه به نگاه غیرواقع‌بینانه به نظام آموزش عالی و چالش‌های آن در ترمیم شکاف نظر و عمل به‌خصوص در حوزه مدیریت شهری، نتایج مفید نیست)
 نوع سؤال تحقیقاتی؟ (بنیادی)

مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (با توجه به اتکا سؤال بر محتوای مشخص، تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی با دغدغه شکاف میان نظر و عمل، مناسب است)
 منابع بالقوه سوگیری (Bias) پرداخته است؟ خیر (مطالعه نسبت به برخی نظریات از جمله ضد لیبرال تعصب بیش از حد نشان داده است)
 انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (مطالعه به دلیل ساختار توصیف‌گونه آن و تکیه کمتر بر تحلیل‌های عمیق‌تر از تأثیرات متقابل جهانی شدن و آموزش عالی از منظر دغدغه ترمیم شکاف نظر و عمل دچار کمبودهایی است)
 آزمایش فرضیه بیان شده؟ -

درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ -
 توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله (با توجه به تکیه نتایج بر یافته‌های مروری مطالعه)
 تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

جهانی شدن و آموزش عالی؛ گسست میان نظریه تا کنش (Javdani, 2009)

مرتبط بودن سؤال؟ بله (سؤال با محوریت دغدغه نحوه توجه به نظر در فرایند عمل هم در نظام آموزشی و هم در حوزه عمل طرح شده است)
 مطلب جدید؟ بله (با توجه به معرفی رویکرد آموزش کارمنا به عنوان راهکاری قابل انجام برای ترمیم شکاف نظر و عمل)
 نوع سؤال تحقیقاتی؟ (اکتشافی)

مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (ساختار تحقیق حول دو سؤال طرح‌شده سازماندهی مناسبی دارد)
 وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر
 انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش مروری، مرور سیستماتیک و ساختار تحلیلی و مروری منسجم، رعایت شده است)
 آزمایش فرضیه بیان شده؟ -
 درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ -

توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ بله (نتایج بر اساس داده‌های حاصل از مرور و تحلیل‌ها تنظیم شده‌اند)
 تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

ارتباط میان نظریه و عمل در آموزش رشته‌های حرفه‌منا - نمونه موردی حرفه‌دانش طراحی شهری (Razaqi Asl, 2011)

مرتبط بودن سؤال؟ (سؤالی طرح نشده و مطالعه در پی تبیین نقش مهم برنامه‌ریزی همکارانه در ترمیم شکاف است)
 مطلب جدید؟ خیر (مطالعه بر تکیه بر رهیافت برنامه‌ریزی همکارانه به عنوان یگانه راهکار ترمیم شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری به‌ویژه نقش برنامه‌ریز در ارتباط عمیق با جامعه تلاش دارد تا به نوعی تمام مشکلات شکاف میان دیدگاه‌های برنامه‌ریزی شهری و جامعه را حل کند)
 نوع سؤال تحقیقاتی؟ -

مناسب بودن طرح مطالعه؟ خیر، مطالعه فاقد بررسی سایر نظریات و یا حداقل بیان مشکلات سایر دیدگاه‌های رقیب است.
 وجود منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر
 انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش علمی رعایت نشده‌اند)
 آزمایش فرضیه بیان شده؟ -

درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ بله
 توجیه نتایج توسط داده‌ها؟ خیر (ساختار تحلیل و روایی مطالعه ضعیف است)
 تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

رهیافت برنامه‌ریزی همکارانه به عنوان ترمیم‌گر شکاف دانشی بین برنامه‌ریزان و دانش ارتباطی گروه‌های دی‌نفع (Aliabadi & Asgari, 2015)

مرتبط بودن سؤال؟ بله (مطالعه با طرح این سؤال که «آیا می‌توان شیوه برنامه‌ریزی ارتباطی را در سازوکار برنامه‌ریزی ایران به عنوان راهکاری برای شکاف نظر و عمل در این حوزه به کار بست؟» مستقیم به دغدغه مد نظر پرداخته است)

مطلب جدید؟ خیر (یافته‌های مقاله آگاهی جدیدی را در زمینه دلایل شکاف، ارزیابی انتقادی یک نظریه وارداتی (مانند برنامه‌ریزی ارتباطی) و راهکارهای ترمیم با رویکرد اصالت تجربه و عمل محلی ایجاد نمی‌کند)

نوع سؤال تحقیقاتی؟ (اکتشافی)

مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (ساختار یک تحقیق موردی (بر مبنای مطالعه میدانی) بر مبنای استانداردهای علمی از جمله طرح تحقیق مناسب، روش‌شناسی و ارائه شواهد و یافته‌ها رعایت شده است)

وجود بالقوه سوگیری (Bias) پرداخته است؟ خیر (مطالعه نسبت به نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و پیش‌فرض‌های آن سوگیری دارد)

انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش تحلیلی - توصیفی رعایت شده است)

آزمایش فرضیه بیان شده؟ -

درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ بله

توجه نتایج توسط داده‌ها؟ بله

تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

برنامه‌ریزی ارتباطی
به عنوان رویکرد
پیشنهادی
برای برنامه‌ریزی
شهری در مقیاس
محلات
Sharifzadegan &
(Shafiei, 2017)

مرتبط بودن سؤال؟ خیر (با تکیه بر مفهوم قدرت در دو بعد قدرت انضباطی و زیست-قدرت، مطالعه به دنبال ریشه‌یابی شکاف نظر و عمل از دریچه قدرت - دانش است)

مطلب جدید؟ بله (با این نتیجه‌گیری استدلال‌گونه که برنامه‌ریزان باید مناسبات قدرت - دانش را بشناسند و بر اساس آن به تجربه حرفه برنامه‌ریزی شهری بپردازند و رویه‌های غیررسمی و عملی را در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در نظر داشته باشند)

نوع سؤال تحقیقاتی؟ (بنیادی)

مناسب بودن طرح مطالعه؟ بله (ساختار یک تحقیق کیفی بر مبنای استانداردهای علمی از جمله طرح تحقیق مناسب، روش‌شناسی دقیق و ارائه شواهد و یافته‌ها رعایت شده است)

وجود مهم‌ترین منابع بالقوه سوگیری (Bias)؟ خیر (مطالعه نسبت به نظریه قدرت در برنامه‌ریزی از دیدگاه فوکو، بدون پرداختن به چالش‌های نظری این دیدگاه، سوگیری نشان داده است)

انجام مطالعه طبق پروتکل اصلی؟ (استانداردهای پژوهش کیفی رعایت شده است)

آزمایش فرضیه بیان شده؟ -

درستی تجزیه و تحلیل‌های آماری؟ بله

توجه نتایج توسط داده‌ها؟ بله

تعارض منافع (Conflict of Interest)؟ خیر

تبیین نقش
قدرت-دانش در
برنامه‌ریزی فضایی
با تأکید بر قدرت
انضباطی و زیست -
قدرت (Nejati et al.,
2021)

جدول ۲. ارزیابی محتوایی - پارادایمی پژوهش‌های پیشین بر اساس چارچوب آوسون - سندبرگ

پژوهش‌های پیشین

چارچوب ارزیابی پیشنهادی آوسون و سندبرگ

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛

تا حدودی انجام یافته و پیش‌فرض‌های پارادایم اثبات‌گرایی در فرایند ترمیم شکاف نظر و عمل به چالش کشیده شده است. همین موضوع قوت مطالعه در طرح افق‌های جدید از راه حل‌های احتمالی برای ترمیم شکاف نظر و عمل محسوب می‌شود.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛

فرضیه اصلی پارادایم اثبات‌گرایی مبنی بر معیار قرار دادن مشاهده و تجربه محض شناسایی شده است. هم‌زمان همین فرضیه در عمل مورد نقد قرار گرفته و مشاهده و تجربه محض را بدون سایر پارامترهای تکمیل‌کننده مانند ارزش‌های ذهنی و قضاوت‌های فرهنگی مورد انتقاد قرار داده است.

-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها

ارزیابی انتقادی فرضیه اصلی پارادایم اثبات‌گرایی با محوریت مفاهیم جدایی‌ناپذیری واقعیت‌های اجتماعی از نظریه‌ها، تأثیر ارزش‌ها در فرایند تحقیق و ضرورت به کارگیری رویکرد پدیدارشناسی و رویکرد انتقادی برای ترمیم شکاف نظر و عمل صورت گرفته است. همین رویکرد انتقادی به یکی از نظریات متداول و رایج مبنایی در سراسر قرن بیستم و بیست و یکم مهم‌ترین قوت مطالعه محسوب می‌شود، چرا که مبنایی برای تحقیقات آتی در زمینه یافتن راهکارهایی اجرایی‌تر برای ترمیم شکاف نظر و عمل با تجهیز به رویکردی انتقادی از چارچوب‌های نظری رایج فراهم می‌کند.

درصد توافقی بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۰ درصد

نقدی بر شکاف نظریه و
عمل در پارادایم مدرن -
اثبات‌گرایانه در مدیریت
و سازمان (Abdollahi,
& Mohammadi,
2017)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛

پیشینه به خوبی و با جامعیت بررسی شده است. با توجه به اتکا مطالعه به داده‌های آماری معتبر، شناسایی انواع بازیگران مؤثر و به کارگیری انواع آزمون‌های روایی و پایایی معتبر، نتایج قابل اعتمادند.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛

خط‌مشی‌گذاری عمومی به عنوان چارچوب نظری پایه پذیرفته شده و رویکردها و نظریات پیرامون آن بررسی شده‌اند. یک جمع‌بندی مفید و نقادانه از تمامی نظریات در قالب یک مدل اقتضائی شکاف ارائه شده است.

-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها

با توجه به بررسی دقیق رویکردها و نظریات خط‌مشی‌گذاری عمومی و ارائه مدل مفهومی تطبیق داده‌شده، مفروضات بدیهی پنداشته شده و مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته‌اند که لطمه‌ای به رویکرد انتقادی مطالعه و نوآوری نظری آن نمی‌زند.

درصد توافقی بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۰ درصد

توسعه پایدار؛ از
سیاست‌گذاری تا عمل
(تبیین مدل شکاف
خط‌مشی‌های عمومی
در حوزه محیط زیست)
(Rezaei et al., 2023)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
 ساختارهای اصلی شناسایی شده‌اند و فرایند تعریف و اجرای پژوهش بر اساس نظام‌نامه پژوهشی شهرداری تهران تبیین و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. مطالعه به دلیل رعایت استانداردهای پژوهش از پیکربندی استواری برخوردار است. همچنین به دلیل بهره‌مندی از داده‌های مستند و معتبر ناشی از یافته‌های میدانی و منابع آماری، نتایج ارائه شده قابل اعتمادند.
 -شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
 گرچه در مبنای نظری تجربه چند شهرداری اروپایی و آسیایی مورد بررسی قرار گرفته، اما فرضیات اصلی چارچوب‌های نظری مورد استفاده آن‌ها بررسی و نقد نشده‌اند. همچنین، فاقد یک چارچوب نظری مبنای است.
 -ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
 به دلیل فقدان یک چارچوب نظری مبنای یا حداقل یک چارچوب نظری برای نقد و تطبیق با شرایط تهران، مفروضات نیز بدیهی پنداشته شده و مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته‌اند.
 درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

آسیب‌شناسی
 سازوکارهای فرایند
 پژوهش در شهرداری
 تهران و ارائه راهکارهای
 اجرایی (Jalili)
 Sadrabad &
 (Sanjideh, 2022)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
 به طور نسبتاً کاملی انجام یافته است. مطالعه با شناسایی انواع حلقه‌های تصمیم‌گیری در فرایند پژوهش در شهرداری تهران توانسته تصویر نسبتاً جامعی از پیشینه موضوع ارائه دهد. همچنین، با توجه به اتکا مطالعه به داده‌های آماری شفاف و قابل بررسی و تحلیل آن‌ها بر مبنای یک فرایند شفاف روش‌شناختی، نتایج ارائه شده قابل اعتماد هستند.
 -شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
 فرضیه اصلی و پذیرفته‌شده پژوهش با محوریت رویکرد خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد (مدل عرضه و تقاضای پژوهش) بوده است. با توجه به تبیین محتوایی فرضیات و مؤلفه‌های رویکرد خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد از یکسو و مقبولیت و تطابق آن با حوزه موضوعی شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران از سوی دیگر، این امر به‌خوبی انجام یافته است.
 -ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
 با وجود تبیین مناسب و معرفی دقیق مفروضات رویکرد خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، این مفروضات بدیهی پنداشته شده و مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته‌اند و چنین استدلال شده است که خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد به عنوان پلی میان نظر و عمل قابل اعتماد است. با این حال، به دلیل جهت‌گیری داده‌محور و شاهد - پایه این رویکرد می‌توان به نتایج مطالعه نیز اعتماد کرد.
 درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

آسیب‌شناسی جایگاه
 پژوهش و کاربست آن
 در مدیریت شهری
 مطالعه موردی؛ نظام
 مدیریت شهری تهران
 (Alvani et al., 2018)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
 با بازخوانی برخی دیدگاه‌های نظری طرفدار چارچوب نظری پایه ساخت‌گرایی آنتونی گیدنز، پیشینه موضوع شکاف نظر و عمل ردیابی و به تناسب آن و با به چالش کشیدن نظریات خردگرا از جمله طرح‌های جامع، سعی شده از طریق فراهم‌آوری شواهد تجربی نتایج قابل اتکا در زمینه نقش نهادهای مردمی در صورت‌بندی مسئله توسعه و نوسازی بافت‌های فرسوده ارائه شده‌اند.
 -شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
 فرضیه محوری نظریات خردگرایی رایج در شهرسازی کشورهای غربی در برابر فرضیه نقش حیاتی تجربه حین عمل و محلی‌گرایی در نظریه ساختاریابی گیدنز برابر نهاده شده‌اند. همچنین، نقش حیاتی نهادهای محلی و غیررسمی در شناسایی مشکلات اصلی محلات برجسته شده است.
 -ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
 فرضیه جدیدی مطرح نشده و تلاش شده تا با بهره‌گیری از فرضیات نظریه ساختاریابی گیدنز به تبیین اثرگذاری دانش مکتوم و تجربی بر دانش رسمی پرداخته شود.
 همین موضوع ممکن است به روایی نظری مطالعه لطمه بزند، چرا که تجربه محلی و اصالت نقش نهادهای مردم‌نهاد به نفع نظریه ساختاریابی گیدنز مصادره شده است، در حالی که نظریات رقیب نیز ممکن است وجود داشته باشند که بر اصالت تجربه محلی تأکید کرده باشند.
 درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

نهادهای مردمی ایرانی
 چگونه می‌توانند
 شهرسازی را اصلاح
 کنند؟
 بررسی موردی در محله
 شوش (Samanpour,
 2022)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
 پیشینه موضوع به طور کافی کندوکاو نشده و پیکربندی مطالعه به دلیل فقدان جامعیت نظری از یکسو و تعصب بیش از حد بر برخی نظریات تبیینی قدرت شهری دارای ساختارمندی کافی نیست. همچنین، نتایج ارائه‌شده چندان نتوانسته کمک مفیدی به یافتن راهکارهای ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری کند.
 -شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
 پیش‌فرض‌های اصلی نظریات قدرت شهری مبنی بر توطئه‌گری سیاستمداران و صاحبان قدرت و لزوم کنشگری شبه‌انقلابی شهروندان در بازی قدرت در نظر پذیرفته شده و در عمل نیز در حوزه مدیریت شهری تهران استنتاج ملموسی ارائه نشده است.
 -ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
 هیچ‌گونه ارزیابی از مفروضات رویکردهای نظری رایج از جمله نظریات راسل، وبر و فوکو در مورد قدرت یابی شهر انجام نشده است. دلیل آن نیز پذیرش بی‌قیدوشرط این نظریات بدون نقد جنبه‌های منفی آن‌هاست. به‌ویژه نظریات فوکو که دارای خاستگاه‌هایی کاملاً متفاوت با شرایط مدیریت شهری تهران است. در واقع، دیدگاه‌های ضد ساختاری و ضد سرمایه‌داری فوکو ملهم از فضای ذهنی ساخت‌یافته سوسیالیستی وی و طرفدارانش بوده است و کمتر با شرایط ایران و فضای مدیریت شهری به‌خصوص بازی قدرت شهر تهران همخوانی دارد.
 درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۸۵ درصد

تبیین مفهوم «قدرت
 شهر» و اثرات آن در
 فرایند توسعه شهر
 تهران (Nejad Bahram
 & Jalili, 2020)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
پیشینه موضوع عمدتاً به چارچوب‌های نظری در دیدگاه‌های قدرت شهری فوکو و بورديو به عنوان یک طیف از اندیشمندان محدود شده، در حالی که نیاز است حوزه قدرت شهر و به‌خصوص نقش آن در کاهش یا افزایش شکاف بین نظر و عمل (بر اثر نحوه کسب و اعمال آن بین گروه‌های مختلف بازیگران شهر) در مدیریت شهری تهران تبیین و الگویی شود. برای این مهم نیز نخستین گام، شناسایی نزدیک‌ترین دیدگاه‌های نظری است نه دیدگاه‌های غالب در دنیا.

بررسی مفهوم

پراکسیس شهری در کاهش شکاف میان نظریه و عمل (Nourian & Esmaili, 2023)

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
پذیرش فرض اعمال قدرت گروه‌های متنوع از طریق ابزارهای سیاسی به صورت رسمی و غیررسمی بر فرایند و محصولات برنامه‌ریزی بدون فیلتر کردن آن‌ها بر اساس شرایط مدیریت شهری تهران و تلاش برای درک اقتضاهای محلی قدرت شهری از مهم‌ترین ایرادهای نظری مطالعه است.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
هیچ‌گونه ارزیابی انتقادی از مفروضات مارکسیستی فوکو و بورديو انجام نشده و پیش‌فرض‌های اصلی آن‌ها یعنی سیاسی بودن و ارزشی بودن برنامه‌ریزی و نیز برتری و جوه سیاسی و ارزشی بر جوه فنی و تکنیکی بودن برنامه‌ریزی به صورت پیش‌فرض پذیرفته شده‌اند. این در حالی است که امروزه جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی برنامه‌ریزی شهری بسیار برجسته شده و اتفاقاً نقش برتری در سازوکار قدرت شهری ایفا می‌کنند.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۸۵ درصد

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
به دلیل منسجم بودن ادبیات موضوعی رویکرد مدیریت مبتنی بر شواهد، تسلط موضوعی کافی وجود دارد و مطالعه از ساختارمندی پژوهشی برخوردار است. تاریخ‌شناسی نظری مناسبی ارائه شده و در این مسیر تحولات تاریخی و نظری رویکرد مدیریت مبتنی بر شواهد به‌خوبی شناسایی شده و ضرورت وجود آن به عنوان پلی برای ترمیم شکاف نظر و عمل توجیه شده است. با ارائه بدیل‌هایی برای کاربست رویکرد مدیریت مبتنی بر شواهد در تحقیقات مختلف به تقویت نتایج و قابل اتکا بودن آن‌ها از نظر ادبیات موجود کمک شده است.

مدیریت مبتنی بر شواهد؛ پلی بر شکاف علم مدیریت و عمل (Jahromi, 2017)

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
با وجود اینکه اتکا نظری مقاله به فرضیات و مؤلفه‌های اصلی مدیریت مبتنی بر شواهد است، در آسیب‌شناسی وضعیت موجود شکاف نظر و عمل دچار سوگیری شده به گونه‌ای که کل فرایند آسیب‌شناسی حول محور کمبود آگاهی و روزمرگی مدیران انجام شده و سایر مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر کنار گذاشته شده‌اند. این موضوع به‌ویژه از منظر نقایص حوزه نظر و ناکارآمدی دیدگاه‌های نظری مدیریت در عرصه عمومی و ناهمخوانی آن‌ها با بافتار سیاسی، اقتصادی و حقوقی ایران مهم به نظر می‌رسد. بنابراین، به نظر می‌رسد نوعی عدم تعادل بر اثر بررسی سوگیرانه برخی پارامترها در یکسو (در عمل مدیر) و غفلت از کمبودهای اساسی در سوی دیگر (علم مدیریت) در مطالعه وجود دارد که گرچه از منظر مرور ادبیات نظری و موضوعی پوشش مناسبی دارد، اما در ارائه نتایج کافی و بومی شده دچار کمبودهای زیادی است.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها؛

مطالعه در شناسایی ضعف‌های اصلی در نظام مدیریت اجرایی به طور عام، با توجه به محور قرار دادن پیش‌فرض‌های عمومی رویکرد مدیریت مبتنی بر شواهد، اقناع‌کننده عمل می‌کند، اما وقتی وارد تحلیل بافتار و شرایط بومی مدیریت (شرایط ایران) می‌شود و از نقش شواهد علمی و تحقیقاتی در افزایش ضریب موفقیت مدیران اجرایی استدلال می‌کند، دچار انحراف از دغدغه ترمیم شکاف نظر و عمل بر اساس واقعیت‌های زمینه‌ای می‌شود، چراکه این شواهد علمی در ایران دچار آسیب‌های متعددی است که مدیران اجرایی تمایلی به کاربست آن‌ها ندارند و این موضوع در مطالعه بررسی نشده است. در واقع «چرا این چنین است» در این زمینه مطرح نشده و کل مسئله به کمبود آگاهی مدیران فروکاهش یافته است.

درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۰ درصد

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
با محور قرار دادن دو نوع دانش ضمنی و صریح و رابطه آن‌ها با شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری در دنیا و مطالعه موردی مهندسین مشاور شهرساز و معمار در ایران، مطالعه دامنه‌یابی مطلوبی از موضوع انجام داده و با توجه به میدانی بودن روش تحقیق، پیکربندی و نتایج قابل اتکائی را دارد.

شکاف میان دانش و عمل برنامه‌ریزی شهری: یافته‌هایی از شرکت‌های مهندسین مشاور تهران (Nejati & Nedaei, 2025)

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
بسیاری از مفروضات رایج از جمله ضعف ساختاری نهادهای رسمی به عنوان یکی از دلایل ضعف عملکردی مهندسین مشاور، ضعف نیروی انسانی متخصص در اجرای فرایندهای مطلوب تهیه طرح‌ها و فقدان جایگاه تجربه عملی در رویه‌های حرفه‌ای و اجرایی شناسایی و بررسی شده‌اند.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها؛
با وجود شناسایی برخی از مهم‌ترین آسیب‌های مؤثر بر تشدید شکاف نظر و عمل از جمله عدم جایگاه تجربه عملی در سیاست‌های رسمی، غفلت از طرح مسائل مهم‌تر و ریشه‌ای‌تر همچون فلسفه شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری در تهران، جایگاه انفعالی حوزه دانشگاهی در تدوین نظریات بومی توسعه شهری و فاصله ذهنی دانش صریح موجود در دانشگاه‌ها با نیازمندی‌های حوزه عمل موجب شده تا مطالعه کمتر توان رفتن به عمق و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های اساسی دیدگاه‌های رایج را داشته باشد.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
با توجه به مرور نظریات مرتبط با دغدغه شکاف دانش و حرفه طراحی شهری، دامنه‌یابی مناسبی از موضوع انجام یافته است. نتایج ارائه شده مبتنی بر مرور راهکارها و پیشنهادها نظریه‌پردازان بوده و از روایی مناسبی برخوردار است. با این وجود، تکیه صرف بر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و عدم اتکا به دیدگاه‌های عملگرایان و تجربه‌گراها در زمینه شکاف نظر و عمل در کنار عدم توجه به شرایط بومی ایران و تهران موجب شده تا نتایج از نظر دغدغه ترمیم شکاف نظر و عمل از کارایی مورد نیاز برخوردار نباشند.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
چهار دیدگاه نظریه‌پردازان معروف را در خصوص نحوه ارتباط حوزه‌های نظری و عملی طراحی شهری بررسی کرده و با نگاهی امیدوارانه معتقد است اگر نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های نظری در حرفه به کار گرفته شود شکاف پر خواهد شد. با این حال یک نظریه‌پرداز (مارشال، ۲۰۱۲) معتقد است که نظریه باید توسط مجریان و حرفه‌مندان مورد بررسی قرار گرفته و از کاربردی بودن آن اطمینان حاصل شود. مطالعه این نکته مفید، از منظر دغدغه‌مندی شکاف نظر و عمل، را بسط نداده و گذرا به آن اشاره کرده است.

-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها؛
پیش‌فرض‌های موجود در نظریات مطرح شده بدون برخوردار از یک تحلیل آسیب‌شناسانه از میزان توانایی این پیش‌فرض‌ها در ترمیم شکاف نظر و عمل مورد پذیرش واقع شده‌اند. این نقیصه در کنار بی‌توجهی به آرای تجربه‌گرایان و دیدگاه‌های آنان در خصوص ایرادهای حوزه نظر از منظر عمل موجب شده تا مطالعه با یک چالش اساسی در کمک به چشم‌انداز ترمیم شکاف نظر و عمل در حوزه طراحی شهری مواجه باشد.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

شکاف میان نظریه و حرفه در طراحی شهری معاصر (Samavati, 2020)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
پیشینه موضوع بررسی شده، اما تعصب نظری در آن وجود دارد به گونه‌ای که مسئله جهانی شدن به مثابه ابزاری برای سلطه پنداشته می‌شود و وجود نهاد‌های جهانی مانند بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت و ... با توجه به رویکرد کالایی‌سازی و تجاری‌سازی آن‌ها، که دانشگاه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده، یکی از دلایل اصلی شکاف شدید میان دانش (تولیدشده توسط نظریه‌پردازان و محققان ضد جهانی شدن) و عمل در کشورهای توسعه‌یافته معرفی شده است. از دیگر سو، پژوهشگران این مطالعه چنین استدلال می‌کنند که چون دانشگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) دچار این کالایی‌سازی و نگاه تجاری به دانش نشده‌اند، این شکاف چندان قابل توجه نیست.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
پیش‌فرض اصلی مطالعه مبتنی بر میرا بودن نظام آموزش عالی از شکاف نظر و عمل است، چرا که ریشه این شکاف، که تجاری‌سازی و کالایی‌سازی همه چیز حتی دانش است، در غرب وجود دارد و در شرق (از جمله ایران وجود ندارد).
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها

مطالعه به دلیل فقدان روحیه به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های جریان‌های ضد جهانی شدن و پذیرش بی‌قیدوشرط استدلال‌های آن‌ها از یک سو و بی‌توجهی به واقعیت‌های نظام آموزش عالی ایران از جمله شکاف بسیار زیاد حوزه نظر و عمل از سوی دیگر، از گشودن افق‌های جدید برای ترمیم این شکاف، که اتفاقاً نظام آموزش عالی نقطه آغازین مناسبی نیز برای آن است، بازمانده است.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۰ درصد

جهانی شدن و آموزش عالی؛ گسست میان نظریه تا کنش (Javdani, 2009)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
با توجه به تمرکز مطالعه بر رویکرد آموزش کارمنا به عنوان راهکاری عملی برای ترمیم شکاف و تمرکز بر حوزه نظری مرتبط، دامنه به خوبی تشخیص داده شده و پیکربندی مناسبی دارد. همچنین، با توجه به طرح دغدغه ترمیم شکاف نظر و عمل در حوزه آموزش شهرسازی و حرکت در مسیر مشخص برای ارائه راهکار در راستای ترمیم آن نتایج کلیدی نسبتاً روشن است.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
با بررسی دیدگاه پراگماتیستی به فرایند نظریه‌سازی بر اساس حوزه عمل و تجربه اعتبار مطالعه را، از منظر دغدغه شکاف نظر و عمل، بالا برده است. مطالعه چنین استدلال می‌کند نظریه باید از مشاهده، بحث‌ها و نتایج منطقی استخراج شود تا اینکه از مباحث فلسفی متنوع به وجود آید.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها

با وجود تأکید بر راهکارهایی برای دغدغه ترمیم شکاف نظر و عمل در شهرسازی، پیش‌فرض‌های رویکرد آموزش کارمنا پذیرفته شده و چالش‌هایی اجرای این رویکرد در نظام آموزش عالی ایران دیده نشده‌اند؛ چالش‌هایی که خود موانع جدی بر سر راه اجرای این راهکار محسوب می‌شوند از جمله در دسترس بودن نظریات بومی شده شهرسازی، اصالت تجربه و عمل در شهرسازی و پذیرفته شدن آن در طراحی نظام آموزش کارمنا

درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

ارتباط میان نظریه و عمل در آموزش رشته‌های حرفه‌منا - نمونه موردی حرفه دانش طراحی شهری (Razaghi Asl, 2011)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
دامنه موضوع محدود به یک نظریه و دفاع تام و تمام از آن است و آن را به عنوان یگانه راهکار موجود برای حل مشکلات شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری می‌داند. پیکره‌بندی مطالعه ضعیف است و روش‌شناسی جامعی را، به دلیل تک‌بعدی بودن روش و توصیفی محض بودن، اتخاذ نکرده است.

-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
برنامه‌ریزی همکارانه و تمامی پیش‌فرض‌های آن مورد پذیرش واقع شده‌اند و به عنوان اتکا اصلی در ترمیم شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری قلمداد شده‌اند.

-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها
مبنا قرار دادن دو اصل ارتباط و همکاری و استنتاج این موضوع که رعایت این دو اصل موجبات ترمیم شکاف بین جامعه و برنامه‌ریزان و مدیریت شهری را فراهم می‌آورد بدون ورود به جزئیات این اصول از ضعف‌های عمده مطالعه در به چالش کشیدن فرضیات موجود در رهیافت برنامه‌ریزی همکارانه است. به‌ویژه اینکه چنین رویکردی محصول تفکر عده‌ای از برنامه‌ریزان شهری در کشوری غربی است و کاربست آن در بافتار سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشوری شرقی چالش‌های مخصوص به خود را دارد.

درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

رهیافت برنامه‌ریزی همکارانه به عنوان ترمیم‌گر شکاف دانشی بین برنامه‌ریزان و دانش ارتباطی گروه‌های ذی‌نفع (Aliabadi & Asgari, 2015)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
با بررسی نقش دیدگاه‌های برنامه‌ریزی شهری در حل مشکلات توسعه و مدیریت شهری در دنیا و شکاف‌های موجود، مطالعه تلاش دارد تا دامنه‌یابی کافی از موضوع انجام دهد. پیکربندی پژوهش با توجه به اتخاذ روش مورد پژوهش و ارائه شواهد محلی مناسب است و یافته‌ها بر مبنای داده‌های میدانی تولید شده هستند.
-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
پیش‌فرض‌ها و اصول رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی بررسی و معرفی شده‌اند و مقیاس‌های کوچک فضایی (مانند محله) به عنوان واحد فضایی مناسب این نوع برنامه‌ریزی پیشنهاد شده است.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها؛
با وجود اینکه ارزیابی امکان‌پذیری کاربست رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی در تهران یکی از اهداف مطالعه عنوان شده است، اما در مرحله مطالعه موردی این رهیافت بدون به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های آن و یا حداقل اثبات کارآمدی آن در مقیاس محله (از طریق بررسی تجربی داخلی و جهانی) و اصول آن پذیرفته شده‌اند. در جمع‌بندی مطالعه نیز این رهیافت و تمامی پیش‌فرض‌های آن پذیرفته شده و به عنوان راهکاری اصولی برای ترمیم شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه در حوزه مشارکت شهروندی، تجویز می‌شود.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۰ درصد

برنامه‌ریزی ارتباطی به
عنوان رویکرد
پیشنهادی برای
برنامه‌ریزی شهری در
مقیاس محلات
(Sharifzadegan &
Shafiei, 2017)

-تشخیص دامنه پیشینه موضوع؛ شامل پیکربندی متون و نتایج کلیدی؛
دامنه نظری موضوع به اندازه کافی شناسایی شده، اما در تعمیم این دامنه نظری به عرصه‌های عملی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری چالش‌هایی وجود دارد از جمله اینکه تعمیم قدرت - دانش به عنوان بازیگر بلامنزاع در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری آن هم از زاویه دید یک نظریه پرداز (فوکو)، مطالعه را دچار محدودیت کرده است. پیکربندی نظری موضوع مناسب است و نتایج کلیدی، با چشم‌پوشی از سوگیری نظری، مبتنی بر نتایج است.
-شناسایی و تبیین فرضیات اصلی مورد اتکا نظریات و مکاتب فکری؛
دیدگاه قدرت - دانش فوکویی به عنوان رهیافت در تحلیل انتخاب شده و پیش‌فرض اصلی آن یعنی این واقعیت که تولید فضا فقط برآمده از قوانین و مقررات و نظام رسمی برنامه‌ریزی فضایی نیست و عوامل متعددی از جمله دانش و گفتمان انضباطی، نهادهای انضباطی، وضعیت استثنایی دائمی و زیست - قدرت در برنامه‌ریزی فضایی مؤثر هستند، به عنوان پیش‌فرض پذیرفته شده است.
-ارزیابی مفروضات و امکان‌سنجی به چالش کشیدن آن‌ها؛
با وجود ظاهر منطقی دیدگاه قدرت - دانش فوکویی، به عنوان نظریه مبنایی مطالعه و راهکار پیشنهادی آن برای کاهش شکاف حوزه نظر و عمل، و پیش‌فرض‌های عامه‌پسند مانند گفتمان اجتماعی قدرت عمومی شهروندان و ... به دلیل این مطالعه به جزئیات و سازوکار قدرت ورود نمی‌کند و از منظر ناکارآمدی نظریات ضد بازار و ضد واقعیت‌های اقتصادی شهر پیش‌فرض‌ها را به چالش نمی‌کشد، دچار ضعف است؛ به بیان دیگر تکیه صرف مطالعه بر پیش‌فرض‌های دیدگاه فوکویی در مورد قدرت - دانش و انگاشت کارآمدی آن برای برنامه‌ریزی در عرصه عمل مهم‌ترین ضعف نظری مطالعه محسوب می‌شود.
درصد توافق بین کدگذاران برای ارزیابی؛ ۹۵ درصد

تبیین نقش قدرت -
دانش در برنامه‌ریزی
فضایی با تأکید بر قدرت
انضباطی و زیست -
قدرت (Nejati et al.,
2021)

شکاف نظر و عمل تبدیل شود، چه می‌شود یا چه تضمینی وجود دارد که پیش‌فرض‌هایی که در این پژوهش‌ها به مثابه اصول بنیادین فرضیه‌ها مورد قبول واقع شده‌اند دارای ایرادهای نظری و فلسفی نباشند، پاسخی وجود ندارد. مشکلات این‌گونه پیش‌فرض‌ها را می‌توان در دو موضوع طرح کرد:

نخستین مسئله در فروکاهش مسئله شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به اصلاح نظام آموزش شهرسازی است. این فروکاستن از مسئله شکاف باعث می‌شود که مسئله ترمیم شکاف در عرصه نظری و عملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به صرفاً مسائل آموزشی تقلیل یابد، در حالی که شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری عرصه‌های گسترده‌تر و پیچیده‌تری را از جمله بافتار سیاسی، شرایط اجتماعی و فرهنگی، توسعه‌یافتگی اقتصادی و ... در بر می‌گیرد.

مسئله دوم انگاشت برنامه‌ریزی شهری حول محور برنامه‌ریزی است که احتمالاً تأثیرات منفی عمیق‌تری بر مسیر ترمیم شکاف نظریه و عمل در نظام مدیریت شهری ایران و تهران به جا بگذارد و دارای سابقه تاریخی نیز هست، تحدید موضوع برنامه‌ریزی و مدیریت شهری شهری به رشته برنامه‌ریزی شهری یا شهرسازی است در حالی که رشته‌های متعدد دیگری از جمله جامعه‌شناسی شهری، حقوق شهری، اقتصاد شهری، جغرافیای شهری، روانشناسی و مدیریت شهری در فرایند ایجاد ترمیم شکاف نظریه و عمل در نظام مدیریت شهری نقش و سهم دارند و لذا موضوع اصلاح و ارتقای

با دقت در نتایج ارزیابی انتقادی چند واقعیت مشخص می‌شود؛ نخست اینکه پژوهش‌های پیشین علاوه بر اینکه پیش‌فرض‌های نظری مکاتب مختلف را از طریق روش‌شناسی مستدل به چالش نکشیده‌اند، خواسته یا ناخواسته بر برخی پیش‌فرض‌هایی اشتهیه نیز تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه تحقیقاتی که پیرامون ترمیم شکاف نظر و عمل در حوزه برنامه‌ریزی از زاویه دید آموزش انجام یافته (مانند نوریان و اسماعیلی (۲۰۲۳)، سماواتی (۲۰۲۰)، رزاقی اصلی (۲۰۰۱)) فقط روی رشته شهرسازی تمرکز داشته‌اند که این ابهام را به ذهن متبادر می‌کند که مسئله شکاف نظر و عمل در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در تهران با تقویت مهارت‌های ارتباطی از جمله فنون مذاکره و میانجی‌گری، توجه دانش‌آموختگان به زمینه‌های سیاسی و قدرت شهر (Najad Bahram & Jalili, 2020) و ... از طریق اصلاح نظام آموزش عالی تا حد زیادی حل خواهد شد. این پیش‌فرض این آسیب‌شناسی را دارد که در همان نظام آموزش عالی نیاز بود این موضوع مهم بررسی شود که در کنار مهارت‌های نرم به تاریخ‌اندیشی و فلسفه‌اندیشی نظریات وارداتی و نحوه تطبیق آن‌ها با شرایط و بافتار اقتصادی و اجتماعی و محیطی شهرهای ایرانی نیز پرداخته شود و به سازوکار تولید نظریه بومی توسعه شهری بر اساس تجربه محلی و دانش انباشته زیسته اهمیت داده شود. همچنین، اگر سؤال شود چنانچه توصیه‌های ارائه شده در عمل نتایج به مراتب ضعیف‌تری کسب کند و خود به تولید حلقه معیوب دیگری در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای تشدید

نظام آموزش عالی در راستای نزدیک کردن دیدگاه‌های دانشگاهی به واقعیت‌های جاری با هدف صورت‌بندی دقیق‌تر و واقعی‌تری مسائل مدیریت شهری باید دغدغه همه این رشته‌ها باشد. به بیان دیگر، نظریات اصلاحی و انتقادی که با این پیش‌فرض مطرح می‌شوند که دیدگاه‌های خردگرا و عقلانیت‌ابزاری قادر به تشخیص نیازهای واقعی در سطح محلی نیستند و تنوع فرهنگی و اجتماعی را در نظر نمی‌گیرند با تحدید و تقلیل مسئله برنامه‌ریزی به یک عامل برنامه‌ریز شهری (و یا در بهترین حالت خود چند عامل) به جای توجه به واقعیت‌های بازار و اقتصاد پویای شهر، مشارکت و شراکت شهروندان در ارزش افزوده ناشی از توسعه شهری، قدرت اقتصادی بازیگران مختلف از جمله بخش خصوصی و مسئله پویایی سرمایه در شهر و مانند این‌ها خود در نهایت گرفتار نوعی صلبیت نظری می‌شوند که در آن به حدی به محلی‌گرایی و احساسات فردی و مشکلات محدود شده اهمیت داده می‌شود که اساساً فرایند و اصول برنامه‌ریزی و به طبع مدیریت مطلوب شهر دچار نقصان دید و چشم‌انداز برای شکوفایی شهر می‌شود. در نتیجه نه تنها به ترمیم شکاف بین نظر و عمل در مدیریت شهری تهران کمکی نمی‌کند، بلکه به عمیق‌تر شدن این شکاف از طریق عدم پرداختن به خاستگاه‌ها و عناصر شکاف نیز می‌انجامد.

واقعیت بعدی اعتقاد راسخ برخی پژوهش‌های پیشین (از جمله شریف‌زادگان و شفیع (۲۰۱۷) و علی‌آبادی و عسگری (۲۰۱۵)) به یک نظریه خاص (برای نمونه، نظریه برنامه‌ریزی همکارانه یا برنامه‌ریزی ارتباطی) در حل و فصل مناقشه نظر و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهری است؛ به بیان دیگر این نظریات با این استدلال که دارای درون‌مایه‌های نظری مشارکت محور و محلی دارند و مشارکت شهروندان در فرایند تهیه طرح‌های توسعه شهری را به عنوان اصل پذیرفته‌اند و از طریق نقش‌آفرینی کنشگران و ذی‌نفعان کلیدی می‌توان تغییرات بنیادی ایجاد کرد، این رهیافت‌ها را به مثابه یگانه راهکار ترمیم شکاف و نزدیک کردن حوزه نظر و عمل معرفی کرده‌اند. این رویکرد دو آسیب نظری و روشی دارد، نخست اینکه از بُعد نظری هیچ‌یک از عناصر تشکیل‌دهنده نظریه اعم از خاستگاه‌های نظری و تجربی، پیش‌فرض‌ها و اصول مورد ارزیابی انتقادی از منظر تطبیق با شرایط زمینه‌ها و بافتار ایران (تهران) قرار نگرفته‌اند و صرف اینکه دارای شعار حل مناقشه نظر و عمل با ابزار مشارکت فعال شهروندان بوده‌اند و با ظرفیت ایجاد تغییر اجتماعی و کلیدی داشته‌اند، مورد پذیرش واقع شده‌اند. دوم اینکه از بُعد عملی هیچ‌یک از پیش‌فرض‌های رهیافت‌های توصیه‌شده در عرصه عملی قبلاً و یا در خود همین پژوهش‌ها بازخوردهای پس از اجرای طرح را نگرفته‌اند. به بیان دیگر، در این مطالعات به نتایج بازخوردهای کاربست پیش‌فرض‌ها و فرایندهای مبتنی بر رهیافت‌های توصیه‌شده در نمونه‌های تجربه‌شده اشاره‌ای نشده است. این بررسی می‌توانست پشتوانه نظری و روشی مناسبی برای این توصیه این رهیافت‌ها محسوب شود، چراکه اگر ادعای این رهیافت‌ها مبنی بر اصالت عملگرایی و نقش‌آفرینی گسترده کنشگران و شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی درست باشد، در نمونه‌های تجربه‌شده این ادعا قابل اثبات است.

همچنین، موضوع اصلاح سیاستی در فرایند مدیریت شهری در راستای ترمیم شکاف نظر و عمل در پژوهش‌های مرتبط مورد غفلت واقع شده است. گرچه در برخی پژوهش‌هایی که بر به‌کارگیری تجربه زیسته و دانش بومی سمن‌ها و گروه‌های فعال مردم‌نهاد در فرایند اصلاح سیاست‌های مدیریت شهری تأکید می‌کنند (از جمله

سامان‌پور (۲۰۲۲)) و در راستای ترمیم شکاف و اصلاح سیاست‌های مدیریت شهری در حوزه‌هایی مانند بافت‌های فرسوده و معضلات اجتماعی محلات در حال افول مفید هستند پیشنهاد شده است، اما به طور کلی رویکرد اصلاح سیاستی در نظام‌های مدیریت شهری تهران که از یک‌سو از فقدان مدیریت یکپارچه شهری رنج می‌برند و از سوی دیگر، شکاف نظر و عمل در آن‌ها به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است، نیازمند تبیین نظری و فکری دقیق برای طراحی کارآفرینی سیاست به منظور بهینه‌سازی سیاست‌های موجود مدیریت شهری با هدف ترمیم شکاف نظر و عمل است.

۵. استنتاج‌های معرفت‌شناختی

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد غفلت از منابع الهام و الگوبایی نظری مکاتب وارداتی یکی از آسیب‌های جدی پژوهش‌های منتخب است؛ به بیان دیگر در پژوهش‌های با دغدغه شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری از زمینه‌های شکل‌دهنده به پارادایم‌های توسعه و مدیریت شهری غفلت کرده و با بدیهی‌انگاری پیش‌فرض‌های نظری در جست‌وجوی راهکارهای ترمیم شکاف نظر و عمل هستند، در حالی که در بیشتر موارد (از جمله نظریه طرح‌های جامع شهری) اساساً این مکاتب و دیدگاه‌های فکری هستند که ایراد معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دارند و قبول پیش‌فرض‌هایشان به معنای پیمودن اشتباه کل مسیر پژوهش قلمداد می‌شود. به همین نسبت، می‌توان بدیهی‌انگاری پیش‌فرض‌های بسیاری از دیدگاه‌های برنامه‌ریزی به‌خصوص الگوهای برنامه‌ریزی شهری نوظهور را نیز مهم‌ترین ایراد معرفت‌شناختی پژوهش‌های بررسی‌شده قلمداد کرد.

آسیب معرفت‌شناختی دیگر در تحلیل و تطبیق پارادایم‌های فکری مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در این پژوهش‌ها اتفاق افتاده است؛ برای نمونه در برخی پژوهش‌ها (مانند شریف‌زادگان و شفیع (۲۰۱۴)) در بخش نظری مقاله چنین آمده است: «بنابراین به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی ارتباطی با ارائه شرایط نظری، پشتیبان عمل تصمیم‌گیری دموکرات و مشارکتی خواهد بود که خود اهداف توسعه‌ای را نیز برآورده خواهد کرد. ایجاد ارتباط میان کلیه گروه‌های ذی‌نفع، مقیاس کوچک عمل آن (یک محله شهری) همه و همه سبب می‌شود تا پیگیری و به‌کارگیری آن در زمینه کشورهای درحال توسعه که آزادی‌های مدنی و سیاسی کمتری هم دارند، علاوه بر اهداف توسعه شهری اهداف اجتماعی و سیاسی را هم به بار آورد». همچنین، در بخش تجربی مقاله (با نمونه موردی محله فرحزاد شهر تهران) چنین استنتاج شده است: «میزان ارتباط میان همسایگان، اقوام و ساکنان محله از وضعیت معمولی برخوردار است و در برابر این وضعیت به نظر می‌رسد همبستگی میان افراد حاضر در یک قوم بسیار بیشتر است. به بیان بهتر، همان‌طور که قابل حدس است، تعلق به قومیت بیشتر از تعلق به محله بود، منتهی به نظر می‌رسد تعلق به محله به قدری است که بتواند پایه‌ای برای برنامه‌ریزی ارتباطی باشد». گرچه در بخش نظری با ارائه نظریاتی از اندیشمندان غربی سعی شده تا مطلوبیت برنامه‌ریزی ارتباطی به لحاظ نظری به مخاطب القا شود، اما فقدان ارجاعات تاریخی به مسئله توسعه، مشارکت و مدیریت شهری تهران (با وجود سابقه نسبتاً غنی ۱۲۰ساله مدیریت شهری) و مهم‌تر از آن فقدان مقایسه این تاریخ با سیر تحول تاریخی مشارکت و توسعه شهری در اروپا (به عنوان منبع تولید نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی) از یک‌سو و ارائه گزاره‌های حدسی (مانند گزاره حدس مبنی بر نقش تعلقات

محلله‌ای در کاربردپذیری نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی به عنوان یک نظریه وارداتی) از سوی دیگر، از آسیب‌های عدم تطابق پارادایمی و شناخت سرچشمه‌های تولید و کاربست نظریات وارداتی محسوب می‌شود. گرچه در چارچوب و برخی شاخص‌ها مانند مشارکت مردم محله، بهره‌مندی از نظریات مردم در صورت‌بندی مسئله محله و مانند این‌ها ممکن است اشتراک‌هایی وجود داشته باشد، اما از منظر شکاف نظر و عمل مسئله مهم داشتن زاویه معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناختی تولید، کاربست و روایی نظریه است که به دنبال پیاده‌سازی مطلوب در عمل است.

برخی پژوهش‌ها نیز دچار خطای معرفت‌شناختی زمینه‌ای شده‌اند؛ به این معنا که با پیش‌فرض قرار دادن این گزاره که نظام سرمایه‌داری و عقلانیت ابزاری عامل اصلی مشکلات و مسائل حل‌نشده در کشور ایران و شکاف شدید نظر و عمل در مدیریت شهری هستند، و با اتکا به معرفت‌شناسی برساخت‌گرایی اجتماعی و روش تحلیل گفتمان فوکویی با پیش‌فرض پذیرش گذار نظام سرمایه‌داری از امپریالیسم به امپراتوری، چنین استنتاج می‌کنند: «برنامه‌ریزان فضایی باید در کنار رهیافت‌های برنامه‌ریزی که به روال مرسوم در محیط آکادمیک آموختند باید به مباحث قدرت - دانش نیز بپردازند تا در کنار نظام رسمی برنامه‌ریزی فضایی، در نظام غیررسمی نیز قابلیت کنش و اثربخشی بیشتری را داشته باشند. سپس، با بهره‌مندی از عقلانیت عملی یا فروتنی در تعامل و چانه‌زنی با قدرت حداکثر تلاش خود را جهت برساخت گفتمان انسانی و توسعه‌ای از نوع دیگر به کار گیرند». مهم‌ترین ایراد معرفت‌شناختی این‌گونه پژوهش‌ها اتکا به تئوری‌های توطئه (از طریق امپریالیسم جهانی و امپراتوری سرمایه‌داری) و برجسته کردن نقش برنامه‌ریز به عنوان نماینده تفکر ضد سرمایه‌داری و نه برآمده از بطن و زمینه محلی و همچنین، غفلت از نقش تاریخ، بافتار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی محیط‌های برنامه‌ریزی و در نهایت، انحراف هستی‌شناختی از حل و فصل مسئله شکاف به جنگ قدرت در شهر و مبارزه طبقاتی است.

در کنار این‌ها، همان‌گونه که آلوسون و سندبرگ استدلال کرده‌اند؛ به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌های فکری یک پارادایم و یا دیدگاه موجود با رویکرد مسئله‌مندسازی مهم‌ترین دستاورد یک پژوهش می‌تواند محسوب شود، به گونه‌ای که به جای استفاده از پرسش‌های آماده از طریق دو روش مسئله‌مندسازی و مواجهه دیالکتیک با دیدگاه‌های مختلف و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های رایج دست به طرح پرسش‌های جدید بزند. موضوعی که در پژوهش‌های ارزیابی‌شده در مطالعه حاضر فقدان آن‌ها محسوس بود.

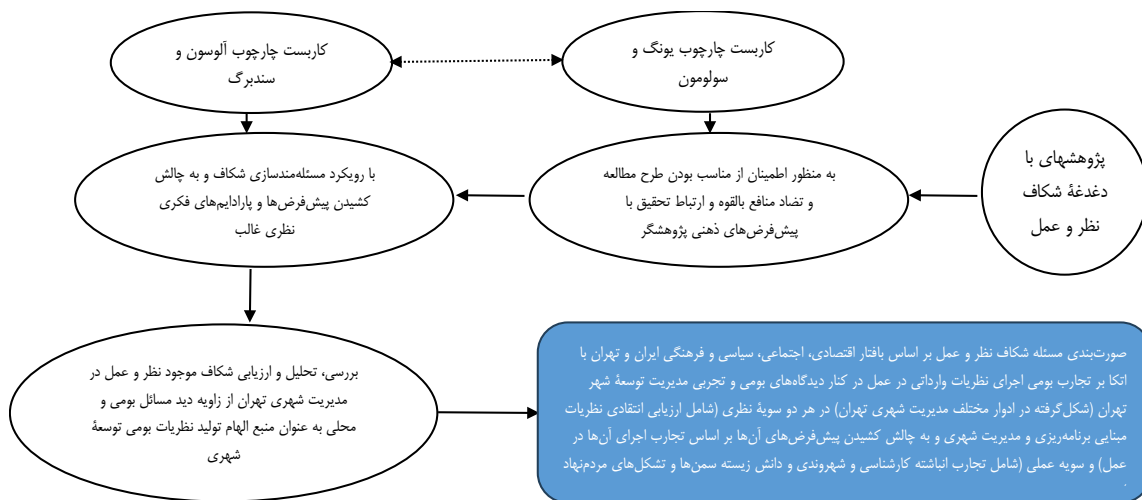
۶. بحث و نتیجه‌گیری

موضوع شکاف نظر و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری همواره یکی از دغدغه‌های دائمی نظریه‌پردازان و شارحان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری از یک‌سو و سیاست‌گذاران و مدیران محلی و شهری از سوی دیگر در دنیای غرب بوده است. جدال‌های علمی زیادی نیز در حوزه دانشگاهی در خصوص فلسفه وجودی این شکاف نیز در گرفته است که البته بخش خیلی ناچیزی از آن در متون علمی و مباحثات دانشگاهی داخل کشور راه یافته و مانند کوه یخی تنها قله آن به دانشجویان، محققان و مدیران شهری در ایران نشان داده شده است. این پژوهش در پی آن بود که دریچه‌ای به

بخش‌های عمیق‌تر این کوه یخی که در اقیانوس ابرمسائل و ابرچالش‌های شهری مانند تهران غوطه‌ور است باز کند. بر همین‌اساس، با انتخاب یک روش ترکیبی ارزیابی انتقادی، ۱۵ پژوهش مرتبط ابتدا مورد ارزیابی قرار گرفتند و سپس، مجموعه خلأهایی که در این پژوهش‌ها در مورد فرایند ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری تهران دیده شد بحث و بررسی شدند.

این مطالعه نشان داد عمده پژوهش‌های پیشین منتخب (به‌جز مواردی مانند پژوهش عبدالهی و محمدی (۲۰۱۷)) پیش‌فرض‌های نظری مکاتب اصلی و غالب را به چالش نکشیده‌اند و با فرض بدیهی بودن آن‌ها به ارائه تحلیل و ارزیابی پرداخته‌اند. در مواردی نیز (از جمله شریف‌زادگان و شفیی (۲۰۱۷)) و علی‌آبادی و عسگری (۲۰۱۵)) رهیافت خاصی (برنامه‌ریزی همکارانه/تباطلی) بدون بررسی انتقادی از ریشه‌های شکل‌گیری آن در خاستگاه اصلی و کارکردهای و کارکردهای آن‌ها در بافتار اصلی خود از یک‌سو و میزان تطبیق‌پذیری بر اساس بازخورد از کاربست پیش‌فرض‌های آن‌ها در نمونه‌های تجربه‌شده از سوی دیگر به مثابه ابزاری برای ترمیم شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی توصیه شده‌اند. همچنین، برخی پژوهش‌ها نیز (مانند نجاتی و همکاران (۲۰۲۱)) با اتخاذ یک نظریه تجویزی (قدرت - دانش) آن را به عنوان بازیگر بلامنازه در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری آن هم از زاویه دید یک نظریه‌پرداز (فوکو) معرفی کرده و معتقدند که برنامه‌ریزان باید با شناسایی شرایط دوره امپراتوری (سرمایه‌داری) مناسبات قدرت و کنشگران شهری، نتیجه برنامه‌ها را به سمت منافع همگانی پیش ببرند. در حالی که این دیدگاه در خاستگاه خود یعنی غرب به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته و نظریات جدید با پذیرفتن نقش بازار در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در نظام مدیریت شهری، فعالان بازار شهری (زمین، کالا، خدمات و ...) را نیز در زمره کنشگران و ذی‌نفعان محسوب می‌کنند.

بر این‌اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج پژوهش‌های پیشین که دغدغه بررسی شکاف نظر و عمل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را به‌ویژه در تهران داشته کمتر در گشودن افق‌های جدید برای گام برداشتن در راستای حل این مناقشه موفق بوده‌اند. لذا و در راستای ترمیم شکاف نظر و عمل در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کارایی مفیدی ندارند. یافته مهم بعدی این مطالعه این بود که برخی از پژوهش‌های پیشین (از جمله نوریان و اسماعیلی (۲۰۲۳)) مسئله شکاف نظر و عمل در مسائل شهری را به حوزه آموزش تقلیل می‌دهند و راه حل را در تقویت برخی مهارت‌های دانشجویان جست‌وجو می‌کنند. بر همین‌اساس، می‌توان گفت که در بهترین حالت حوزه آموزش شهرسازی بخش کوچکی از کلان‌مسئله شکاف نظر و عمل در مسائل شهری ایران است. در نهایت، یافته‌ها نشان دادند برخی پژوهش‌هایی که به طور مشخص، بر مسئله شکاف نظر و عمل تمرکز در مدیریت شهری کرده‌اند (از جمله سامان‌پور (۲۰۲۱)) و نژاد بهرام و جلیلی (۲۰۲۰)) از فقدان یک جامعیت نظری شامل اندیشه‌ها و مکاتب رقیب رنج می‌برند و با اتکا به یک جریان نظری خاص قصد ترمیم شکاف را داشته‌اند که به‌طبع از منظر معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مسئله شکاف نظر و عمل مفید فایده نخواهد بود. در شکل ۴ یک مدل مفهومی ساده شده برای صورت‌بندی مجدد مسئله با جهت‌گیری ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران ترسیم شده است.



شکل ۴. مدل مفهومی ساده‌شده برای صورت‌بندی مجدد مسئله شکاف نظر و عمل در نظام مدیریت شهری تهران

۷. کاربردی‌سازی نتایج

در این بخش پیشنهادهای تحقیق در دو بخش الف) پیشنهادهای برای جامعه علمی (دستور کار پژوهش‌های آتی) و ب) پیشنهادهای برای جامعه هدف (بسته سیاستی برای مدیران شهری) ارائه می‌شوند؛

الف) پیشنهادهای برای جامعه علمی (دستور کار پژوهش‌های آتی)؛ با توجه به اینکه شکاف نظر و عمل یکی از دلایل مهم ناکارآمدی مدیریت شهری در عمل و بی‌ارتباطی نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در نظر نسبت به دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری در ایران و تهران است، توسعه پژوهش‌های نظری در این زمینه توسط مؤسسه‌های آموزشی و تحقیقاتی هم در دانشگاه‌ها و هم در نهادهایی مانند شهرداری تهران و سایر سازمان‌های عمومی ضروری است. همچنین، نظر به این واقعیت که یکی از زمینه‌های اصلی ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران، یعنی تجربه‌گرایی و اصالت عمل و صورت‌بندی آن در قالب نظریه توسعه محلی مدیریت شهری، بسیار ناچیز در کانون توجه پژوهش‌های مرتبط بوده است، پیشنهاد می‌شود به شیوه‌های مختلف مانند حمایت‌های مالی و سایر مشوق‌ها، این موضوع به یکی از دستورکارهای پژوهشی مهم در مراکز تحقیق و توسعه (R&D) سازمان‌های عمومی تبدیل شود. در نهایت، یکی از خلأهای نظری مهم در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری که سزاوار توجه است؛ الگوسازی و رویکرد درون‌زا به مسئله توسعه شهری در ایران است؛ در حالی که بسیاری از نظریات وارداتی غربی دارای زمینه‌های محلی‌گرایی بوده و تجارب محلی منشأ اصلی تدوین آن‌ها بوده است، در ایران عمده نظریات وارداتی و بدون تطبیق با شرایط و اقتضای محلی به کار گرفته شده‌اند. در این زمینه، پرداختن به مسئله ترمیم شکاف نظری و عمل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با تمرکز بر الگوی تدوین نظریات به جای ترجمه مستقیم و وارد کردن خود نظریات یکی از زمینه‌های پژوهش‌های بنیادی مورد نیاز است.

ب) پیشنهادهای برای جامعه هدف (بسته سیاستی برای مدیران شهری)؛ به منظور پر کردن شکاف، پیشنهاد می‌شود شهرداری تهران یک نهاد دانش‌محور انتقادی (Critical Knowledge Institute) را با همکاری دانشگاه‌ها تأسیس کند تا وظیفه آن، تولید دانش زمینه‌مند و انتقال دانش ضمنی مدیران باشد. طراحی و

استقرار سازوکارهای مشارکت شهروندمنما در فرایند تدوین کلان پروژه‌های شهر تهران با رویکرد به‌کارگیری تجارب زیسته شهروندی در سیاست‌های مداخله در کنار ارتقای مهارت‌های نرم برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی (از جمله قدرت مذاکره، میانجی‌گری، تسهیل‌گری توسعه و مدیریت تعارض‌های کنشگران) در قالب دستورالعمل‌های آموزشی و فنی دیگر راهکار مناسب برای کاهش شکاف نظر و عمل می‌تواند محسوب شود. علاوه بر این، همچنان که در برخی پژوهش‌ها (مانند سامان‌پور ۲۰۲۲) نیز شواهد آن ارائه شد، بهره‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد و تجارب غیررسمی در سیاست‌ها و برنامه‌های رسمی در بسیاری از موارد راهگشاست؛ چرا که این نهادها دارای تجارب زیسته‌ای هستند که معمولاً در سیاست‌های رسمی دیده و درک نمی‌شوند.

۸. محدودیت‌های روش‌شناختی و پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی

این مطالعه مانند سایر مطالعات مشابه دارای محدودیت‌هایی در مسیر انجام خود بوده است؛ محدودیت اصلی این پژوهش، محدود شدن تحلیل به متون مکتوب منتشرشده و عدم امکان ارزیابی دانش ضمنی و فرایندهای غیررسمی تصمیم‌گیری بوده که خود می‌تواند منبع مهمی از شکاف نظر و عمل باشد. ضمن اینکه سوگیری بالقوه در فرایند انتخاب و نقد مقالات خود یک محدودیت قابل توجه در مطالعه حاضر بوده است. محدودیت مهم‌تر بعدی اینکه روش‌های ارزیابی انتقادی در حوزه کمتر شناخته‌شده‌ای مانند حوزه شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری در ایران اساساً شناخته‌شده نیستند. در نهایت، محدودیت در تعداد و کیفیت پژوهش‌های پیشین همراه با فقدان ادبیات ارزیابی انتقادی در زمینه مطالعه حاضر به محدودیت در تحلیل و تفسیر نویسنده مقاله منجر شده است. بنابراین، یکی از پیشنهادهای مطالعه حاضر برای تحقیقات آتی توسعه روش‌شناختی ارزیابی انتقادی به‌ویژه تلفیق دو چارچوب پیش‌گفته در مطالعه حاضر است؛ در این زمینه پیشنهاد می‌شود سایر ادبیات مدیریت شهری در سایر حوزه‌ها با این روش ترکیبی مورد آزمون قرار گیرد تا در صورت مناسب بودن به عنوان روشی قابل اتکا در پژوهش‌های ارزیابی انتقادی تثبیت شود.

با وجود محدودیت‌های پیش‌گفته، یافته‌های آسیب‌شناسی روشی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی به همراه استنتاج‌های آسیب‌شناسی پارادایمی در این مقاله معتبر هستند، چرا که نخست مبنای آسیب‌شناسی انجام‌شده متون علمی و چاپ‌شده در مجلات معتبر بوده است و گرچه ممکن است دانش ضمنی و فرایندهای غیررسمی با جهت‌گیری ترمیم شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران وجود داشته باشد، اما به دلیل اینکه مستندسازی، ارزیابی علمی و مهم‌تر از آن انتشار نیافته‌اند نمی‌توان به عنوان واحد تحلیل از آن‌ها استفاده کرد و فقدان آن‌ها نیز لطمه‌ای به نتایج مطالعه حاضر نمی‌زند. دوم اینکه گرچه ممکن است سوگیری بالقوه‌ای در فرایند انتخاب و نقد مقالات وجود داشته باشد، اما چارچوب تلفیقی ارزیابی انتقادی یونگ و سولومون و آلسون و سندبرگ به عنوان مبنای ارزیابی مطالعات، این سوگیری را به حداقل رساند، چراکه نویسنده مجبور بود به سؤالات و روش‌های ارزیابی منتخب پایبند و متعهد باشد و ریسک سوگیری فکری خود را نپذیرد. در نهایت، گرچه فقدان ادبیات موضوعی شکاف نظر و عمل به‌ویژه در حوزه ارزیابی انتقادی یکی از محدودیت‌های مطالعه حاضر بود، اما نویسنده تلاش کرد تا با فراهم کردن چارچوب‌های ارزیابی انتقادی معتبر از یک‌سو و گردآوری و مستندسازی تمامی پژوهش‌های معتبر و مرتبط با هدف مطالعه از سوی دیگر این

کمبود را به نوعی جبران و مبنایی برای توسعه روش‌شناختی و معرفت‌شناختی پژوهش‌های آتی فراهم کند.

در نهایت، به نظر می‌رسد که طرح این سؤال برای پژوهش‌های آتی می‌تواند شروع مناسبی باشد که آیا اساساً در فقدان وجود نظریات مبنایی و محلی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، پرداختن به موضوع شکاف نظر و عمل دغدغه‌درستی است؟ به بیان دیگر، آیا در شرایطی که نظریات وارداتی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری تناسب محتوایی چندانی با شرایط محلی تهران ندارند می‌توان از شکاف این نظریات با عمل مدیریت شهری تهران بحث کرد؟ سؤال بعدی که پس از مشخص شدن جواب سؤال نخست برای پژوهش‌های آتی قابل طرح است این است که چگونه و طی کدام فرایند می‌توان تجارب زیسته محلی، دانش انباشته‌شده کارشناسی و عملگرایی در عرصه مدیریت شهری را در قالب نظریات توسعه محلی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری صورت‌بندی کرد؟ پاسخ به این پرسش‌های بنیادین ضمن اینکه بستر فلسفی و علمی مناسبی برای طرح موضوع شکاف نظر و عمل در مدیریت شهری تهران و ایران فراهم می‌کند، زمینه‌های اصولی و پایدار ترمیم این شکاف را نیز پدید می‌آورد.

به منظور درک بهتر و گرافیکی نتایج پژوهش، این نتایج در شکل ۵ جمع‌بندی شده‌اند.

نقاط قوت؛ تأکید برخی از مطالعات بر اصالت تجربه محلی و زیسته و دانش بومی سمن‌ها و گروه‌های فعال مردم نهاد در فرایند ترمیم شکاف نظر و عمل و صورت‌بندی نظریات توسعه بومی بر مبنای تجارب محلی

نقاط ضعف؛ فقدان بررسی انتقادی ریشه‌های شکل‌گیری نظریات در خاستگاه اصلی و کارکردهای و کژکارکردهای آنها در بافتار اصلی خود و ناتوانی در به چالش کشیدن پیش‌فرضهای نظری مکاتب اصلی و غالب و طرح سؤالات جدید

راهکارهای سیاستی؛ طراحی و استقرار سازوکارهای مشارکت شهروندمبنا در فرایند تدوین کلان پروژه‌های شهر تهران با رویکرد بکارگیری تجارب زیسته شهروندی در سیاستهای مداخله در کنار ارتقای مهارت‌های نرم برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی (از جمله قدرت مذاکره، میانجی‌گری، تسهیل‌گری توسعه و مدیریت تعارضات کنشگران) و بهره‌گیری از سازمانهای مردم‌نهاد و تجارب غیررسمی در سیاستها و برنامه‌های رسمی سازمانی در شهرداری تهران

راهکارهای پژوهشی؛ تجربه‌گرایی و اصالت عمل و صورت‌بندی آن در قالب نظریه توسعه محلی مدیریت شهری به عنوان دستور کار پژوهشی حدی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی همراه با رویکرد درونزا به مسئله توسعه شهری در ایران و بخصوص تهران و الگوسازی بر اساس دیدگاهها و نظریات برآمده از تجربه زیسته شهروندی و تجربه عملی کارشناسی

شکل ۵. مهم‌ترین نتایج حاصل از مطالعات حاضر: قوت‌ها و ضعف‌ها و راهکارهای سیاستی

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۱۰۰ درصد

کارشناس مدیریت مربوطه آقای دکتر سامان پور برای همراهی و راهنمایی‌های ارزنده‌شان طی تحقیق کمال سپاسگزاری را دارم.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تقویت ارتباط حوزه نظری و اجرایی در مدیریت شهری تهران» است که در سال ۱۴۰۴ و در معاونت مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی شهری مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران توسط نویسنده انجام یافته است. به این‌وسیله از مدیریت مطالعات خط‌مشی‌گذاری شهری مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، سرکار خانم دکتر عظیمی و

تعارض منافع

این مطالعه فاقد هرگونه تعارض منافع است.

یادداشت‌ها

^۱ یکی از نمونه‌های بارز این بی‌توجهی که به خسارت‌های فراوان جانی و مالی منجر شد، بی‌توجهی مسئولان نسبت به یافته‌های پژوهشی بود که در سال ۱۳۹۶ توسط دانشجویان مهندسی عمران

Harris, N. (2000). Practice through a lens: A metaphor for planning theory. *Journal of Planning Education and Research*, 19(3), 309–315. <https://doi.org/10.1177/0739456X0001900310>

Imani-Shamlou, J., & Raffeeian, R. (2023). Analysis of the social production of space in the political economy of oil: A review study. *Iranian Journal of Social Development Studies*, 15(60):139–161. <https://doi.org/10.30495/ijds.2023.75578.11965> [In Persian]

Javdani, H. (2023). Globalization and higher education: A gap between theory and action—New strategies for the development of the Iranian higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15(3):107–130. [In Persian]

Mirzakhani, A., Turró, M., & Jalilisadrabad, S. (2021). Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 103362. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103362>

Moghaddam, S. N. M., & Raffeeian, M. (2020). From the kingdom lash to participation: The tale of urban planning in Iran. *Social Sciences & Humanities Open*, 2(1), 100022. <https://doi.org/10.1016/j.ssho.2020.100022>

Nejati, M., & Nedae Tousi, S. (2025). The knowledge–practice gap in urban planning: Insights from consulting firms in Tehran. *Urban Economics and Planning*, 6(4):126–147. <https://doi.org/10.22034/uep.2025.540516.1687> [In Persian]

Nejati, N., Sarrafi, M., & Najafzadeh, R. (2021). Explanation of the role of power–knowledge in spatial planning with emphasis on disciplinary power and biopower. *Urban Planning Knowledge*, 5(2):133–151. <https://doi.org/10.22124/upk.2021.18399.1597> [In Persian]

Nezhadbahram, Z., & Jalili, S. M. (2021). Explanation of urban power and its effects on the development process of Tehran city. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 13(33):269–280. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.208096.2037> [In Persian]

Noorian, F., & Esmaeili, M. (2023). Investigating the concept of praxis in reducing the gap between theory and practice: The necessity of developing soft/political skills alongside hard/technical skills in modern urban planning education. *Environmental Planning*, 16(61):27–48 [In Persian]

Palermo, P. C. (2024). Whatever is happening to urban planning and urban design? Musings on the current gap between theory and practice. *City, Territory and Architecture*, 1(1), 7. <https://doi.org/10.1186/2195-2701-1-7>

Pazhuhan, M. (2023). Institutionalizing urban climate governance in the global South? Evidence from Tehran urban management, Iran. *Climate and Development*, 12(2). <https://doi.org/10.1080/17565529.2022.2161298>

Pazhohesh Jahromy, A. (2017). Evidence-based management: A bridge for the gap between management science and managerial practice. *Roshd-e Fanavari*, 51(13):52–61. [In Persian]

Pissourios, I. A. (2013). Whither the planning theory–practice gap? A case study on the relationship between urban indicators and planning theories. *Theoretical and Empirical Research in Urban Management*, 8(2):80–92. <https://www.jstor.org/stable/24873350>

Razzaghi-Asl, S. (2011). The relationship between theory and practice in work-based disciplines: The case of urban design. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 4(6):21–26. [In Persian]

Rezaei, F., Tabari, M., Farhadi Mahalli, A., & Mojibi, T. (2023). Sustainable development: From policymaking to practice (explaining the model of public policy gaps in the environmental field). *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 12(1):137–153. <https://doi.org/10.30473/ee.2023.59822.2388> [In Persian]

دانشگاه تبریز به چاپ رسیده و سیل آق قلا را پیش‌بینی کرده بودند، اما به دلیل اینکه دیده یا جدی گرفته نشد، به مرگ تعدادی از شهروندان و میلیاردها تومان خسارت انجامید.

ⁱⁱ آلسون و سندبرگ برای ایجاد پرسش‌های نوین بر اساس به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های رایج راهبرد Problemization را پیشنهاد داده‌اند که معادل فارسی آن را مسئله‌مندی می‌توان قرار داد. برخی پژوهشگران داخلی از جمله دکتر مظفر صرافی نیز در مقاله اخیر خود (https://urbstudies.uok.ac.ir/article_63986) در مقاله اخیر خود (html?lang=fa) از این معادل استفاده کرده‌اند.

ⁱⁱⁱ رهیافت برنامه‌ریزی فضایی دگرگون‌ساز برای پایداری ایران ^{iv} گره آزمون ترکیب این دو روش به منظور اطمینان از روایی و پایایی آن‌ها ضروری است، اما از یک‌سو به دلیل ساختار مقاله (در قالب نقطه نظر و محدودیت تعداد صفحه و کلمات) و از سوی دیگر، به دلیل اینکه آزمون روش‌های ارزیابی پیشنهادی به لحاظ روایی و پایایی در فرمت مطالعه حاضر نمی‌گنجد و نیازمند مطالعه متوسط دیگری با بهره‌گیری از ابزارهای ویژه خود از جمله (توافق خبرگان، ارزیابان مستقل و ...) است، لذا این موضوع به عنوان محدودیت مطالعه حاضر پذیرفته شده و هم‌زمان به عنوان مطالعات آتی نیز پیشنهاد می‌شود.

^v به منظور پرهیز از تکرار سؤالات برای هر پژوهش، تنها در مورد پژوهش نخست سؤالات به طور کامل بیان شده و برای پژوهش‌های بعدی خلاصه آن‌ها ارائه شده است.

منابع

Abdollahi, B., & Mohammadi, R. (2017). A critique of the gap between theory and practice in the modern-positivist paradigm in management and organization. In *Proceedings of the First National Conference on Criticism of Humanities Texts and Books (Fundamentals, Method, and Perspective)*. [In Persian]

Alexander, E. R. (2010). *Evaluation in planning: Evolution and prospects*. Routledge.

Aliabadi, L., & Asgari, Z. (2013). Collaborative approach in urban planning. In *Proceedings of the National Conference on Urban Planning and Architecture Over Time*. SID. <https://sid.ir/paper/864499/fa> [In Persian]

Alvani, S. M., Akhavan Alavi, S. H., & Mahmeli Abyaneh, H. (2018). A detailed study of research role and utilization in urban management: Case study of Tehran urban management system. *Bagh-e Nazar*, 15(63):5–16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.67363> [In Persian]

Alvesson, M., & Sandberg, J. (2011). Generating research questions through problematization. *Academy of Management Review*, 36(2), 247–271. <https://doi.org/10.5465/amr.2009.0188>

Farhoodi, R., Gharakhlou-N, M., Ghadami, M., & Khah, M. P. (2009). A critique of the prevailing comprehensive urban planning paradigm in Iran: The need for strategic planning. *Planning Theory*, 8(4), 335–361. <https://doi.org/10.1177/1473095209341328>

Friedmann, J. (1993). Toward a non-Euclidean mode of planning. *Journal of the American Planning Association*, 12(1), 145–163. <https://doi.org/10.1080/2345045221341422>

Ghasemi, K. (2018). The spatial analysis of the livability of 22 districts of Tehran. *Habitat International*, 38. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2018.01.018>

Habermas, J. (1996). *Between facts and norms: Contributions to a discourse theory of law and democracy*. MIT Press.

- Saiu, V. (2020). The three pitfalls of sustainable city: A conceptual framework for evaluating the theory–practice gap. *Sustainability*, 12(9), 2311. <https://doi.org/10.3390/su9122311>
- Samanpour, F. (2022). How can Iranian popular institutions reform urban planning? A case study of the Shush neighborhood. *Architecture and Urban Planning Letter*, 14(35):47–64. <https://doi.org/10.30480/aup.2022.3579.1764> [In Persian]
- Samavati, S. (2020). The gap between theory and profession in contemporary urban design. *Journal of Urban Studies on Space and Place*, 4(16), e251544. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25386050.1399.1399.16.3.1> [In Persian]
- Sarraf, M. (2025). The approach of transformative spatial planning for Iran's sustainability. *Motaleate Shahri*. Advance online publication. <https://doi.org/10.22034/urbs.2025.143620.5160> [In Persian]
- Sharifzadegan, M., & Shafiee, A. (2015). Communicative planning as a new approach for community planning: Case study of Farahzad community, Tehran. *Refahj*, 15(56):281–313. [In Persian]
- Watson, M., Browne, A., Evans, D., Foden, M., Hoolohan, C., & Sharp, L. (2020). Challenges and opportunities for reframing resource use policy with practice theories: The change points approach. *Global Environmental Change*, 62, 102072. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2020.102072>
- Young, J., & Solomon, M. (2009). How to critically appraise an article. *Nature Reviews Gastroenterology & Hepatology*, 6, 82–91. <https://doi.org/10.1038/ncpgasthep1331>